



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی
اداره پژوهش‌های سیاسی

" زبان فارسی از نگاه رهبر معظم انقلاب "

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهش خبری // امید جلوداریان

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در بیانات اخیرشان در تاریخ سی ام اردیبهشت 98، درخصوص زبان فارسی ابراز نگرانی کردند و گفتند: "من راجع به زبان فارسی حقیقتاً نگرانم زیرا در جریان عمومی، زبان فارسی در حال فرسایش است". رهبر انقلاب با گله‌مندی از صداوسیما درخصوص ترویج زبان بی‌هویت و تعبیر غلط و بدتر از همه تعبیر خارجی، بر لزوم ترویج زبان صحیح و معیار و صیقل‌خورده تاکید کردند. رهبر انقلاب پیش از این نیز بارها بر اهمیت زبان فارسی و لزوم پاسداشت آن تاکید کرده بود. به همین سبب، بررسی و جمع‌بندی بیانات رهبر معظم انقلاب درباره "اهمیت زبان فارسی" در دستور کار قرار گرفت. مجموع بیانات ایشان در این باره ما را به شش شاخص مهم رهنمون می‌کند که این شاخص‌ها نیز خود دربرگیرنده محورها و زیرمحوهای مهم و راهبردی دیگری است.

شاخص اول درباره "نفوذ و جاذبه زبان فارسی" است. رهبر معظم انقلاب به گسترده بودن نفوذ زبان فارسی در گذشته و مرز زبان فارسی از چین تا روم و آسیای صغیر و ریشه داشتن زبان فارسی در تاجیکستان و هند و پاکستان و مصر و ترکیه اشاره و تاکید می‌کنند که نفوذ زبان فارسی طبیعی است نه سیاسی.

"ظرفیت کم نظیر زبان فارسی"، شاخص دیگری است که از بیانات رهبر معظم انقلاب به دست می‌آید. رهبر انقلاب در این باره ضمن اشاره به لزوم بهره‌گیری از ظرفیت ترکیب‌پذیری استثنایی زبان فارسی، درباره بی‌سلیقگی در ساخت ترکیب‌های جدید هشدار می‌دهند. ایشان همچنین زبان فارسی را نماد هویت ملی و ملیت ایران و منتقل‌کننده فرهنگ می‌دانند.

بسامد هشدارها و توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در بیاناتشان درباره اهمیت زبان فارسی به حدی بود که شاخص بسیار مهم "لزوم مراقبت از زبان فارسی" از آن به دست آمد. ایشان با ابراز نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی، درباره انحطاط آن هشدار می‌دهند و توصیه‌هایی می‌کنند که برخی از آنها عبارت‌اند از: اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی، فارسی‌گویی شاعران در شعر، نوشتن اسم فارسی با خط لاتین، درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی، پرهیز از غلط‌گویی و ترکیبات گرت‌برداری شده، پیشگیری از جزو زبان شدن غلط‌ها و تقویت فرهنگستان زبان.

"رسانه و زبان فارسی و اهمیت فراوان زبان فارسی در رادیو و تلویزیون" شاخص دیگری است که از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره زبان فارسی استخراج شده است. رهبر معظم انقلاب در این باره به محورهای مهمی اشاره می‌کنند که برخی از آنها عبارت‌اند از: کاربرد درست زبان در برنامه‌های زنده، تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط‌گویی و غلط‌نویسی، تامین راقی‌ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...، لزوم گماشتن ویراستار در بخش‌های خبری.

"زبان علم شدن فارسی" نیز چندین بار در بیانات رهبر معظم انقلاب تاکید شده است. ایشان به لزوم برنامه‌ریزی برای تبدیل کردن زبان فارسی به زبان علم اشاره و تصریح می‌کنند تولید علم در کشور برای افزایش نفوذ زبان فارسی بسیار موثر است.

"تأثیر انقلاب بر ترویج زبان فارسی" شاخص دیگر مورد نظر رهبر معظم انقلاب است. ایشان انقلاب اسلامی ایران را مروج زبان فارسی می‌دانند و به زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب اشاره می‌کنند و در عین حال معتقدند که زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب است.

مدیریت پژوهش‌های خبری

1398/03/04

نمودار کلی شاخص‌های محوری در بیانات درباره اهمیت زبان فارسی:

نفوذ و جاذبه زبان فارسی:

- الف) گسترده بودن نفوذ زبان فارسی در گذشته:**
- 1- مرز زبان فارسی، از چین تا روم و آسیای صغیر
 - 2- زبان علم بودن فارسی از قسطنطنیه تا شبه قاره هند
 - 3- زبان اداری و زبان ادبیات و هنر بودن فارسی در دستگاه عثمانی و تا هند و چین
 - 4- ریشه داشتن زبان فارسی در تاجیکستان و هند و پاکستان و مصر و ترکیه
 - 5- نفوذ طبیعی زبان فارسی
 - 6- گیراتر بودن آهنگ زبان فارسی
 - 7- بار معنایی غنی زبان فارسی

ب) سیاسی نبودن نفوذ زبان فارسی:

- 1- زبان رسمی بودن فارسی در هند
- 2- نفوذ زبان فارسی در دولت عثمانی
- 3- فارس نبودن خیلی از سلاطین ایران از جمله غزنویان و سلجوقیان و حتی صفویه و قاجاریه
- 4- تحمیلی نبودن زبان فارسی در دیگر کشورها
- 5- حمل معارف دینی و محتوای عرفانی

ج) جاذبه جدید زبان فارسی پس از انقلاب:

- 1- مانوس شدن برخی کشورها با زبان فارسی در پی جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب
- 2- برتری تعبیر فارسی و عربی بر تعبیر فرنگی

ظرفیت‌های زبان فارسی:

- الف) ترکیب پذیری استثنایی زبان فارسی :**
- 1- با سلیقه عمل کردن در ساخت ترکیب‌های جدید
 - 2- بهره‌گیری از ظرفیت ترکیب پذیری زبان فارسی
- ب) نماد هویت ملی**
- ج) منتقل کننده فرهنگ**
- د) کمک به شکل‌گیری هنر جهانی**
- ه) شیرینی و وسعت چشمگیر**
- و) نماد ملیت ایران**

الف) هشدارها:

- 1- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی
- 2- کوتاهی در حق زبان فارسی
- 3- در حال فرسایش و انحطاط بودن زبان فارسی
- 4- انحطاط زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار تا آخر دوره محمدرضا پهلوی
- 5- تلاش عده ای برای تغییر خط فارسی
- 6- افتخار عده ای درباره به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی
- 7- ایجاد دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه با محوریت ساخت واژه های فرنگی و مجعول

ب) اقدامات و پرهیزها:

- 1- درخواست از صداوسیما در خصوص ترویج زبان صحیح و معیار:
 - 1-1- لزوم جلوگیری از ترویج زبان بی هویت و تعابیر غلط و بدتر از همه تعابیر خارجی
 - 2- هشدار به مسئولان در خصوص جلوگیری از فرسودگی و ویرانی زبان فارسی
 - 3- انتقاد از ولنگاری زبانی و ساخت لفظی بسیار نازل برخی ترانه ها و پخش آنها از صداوسیما:
- 3-1- لزوم حفظ حرمت زبان فارسی که به وسیله شاعران بزرگ حفظ شده و این گونه سالم و فصیح به دست ما رسیده است
- 4- مراقبت از خط و زبان، تقویت کننده هویت ملی
- 5- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی
- 6- ترجیح صحیح مهجور بر غلط مشهور
- 7- استفاده از زبان فارسی به جای انگلیسی در هواپیما
- 8- فارسی گوئی شاعران در شعر
- 9- ننوشتن اسم فارسی با خط لاتین
- 10- نگذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل
- 11- نوشتن نام فارسی در کنار نام فرنگی در محصولات صادراتی
- 12- نگذاشتن نام ها و تعبیرات فرنگی بر شرکت ها، مغازه ها و ...
- 13- کار روی زبان فارسی با شیوه های هنری
- 14- لزوم درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی

مراقبت از زبان فارسی:

15- پرهیز از غلط‌گویی و ترکیبات گرت‌ه برداری شده؛ مانند:

- لازم به ذکر است
- تصویر فلانی را داریم
- صدای فلانی را داریم
- این مذاکره را با هم داریم
- دارو گرفتن
- حمام گرفتن
- کاربرد واژه تک
- کاربرد واژه چالش
- تلفظ غلط برخی از واژه‌ها
- درست نخواندن اشعار شاعران بزرگ
- غرور ملی
- اتناق فکر
- ثارالله به معنای خون خدا

16- پیشگیری از جزو زبان شدن غلط‌ها

17- ضرورت نداشتن حذف واژه‌هایی که جزو زبان شده‌اند

18- لزوم تقویت زبان فارسی در داخل به منظور جلوگیری از تبدیل شدن به زبانی

دیگر در خارج

19- زبان فارسی نیازمند نوسازی روز به روز

20- لزوم تقویت فرهنگستان زبان

21- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی

زبان فارسی و رسانه:

الف) اهمیت فراوان زبان در رادیو و تلویزیون:

- 1- کاربرد درست زبان در برنامه های زنده
 - 2- تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط گویی و غلط نویسی
- ب) تاکید بر درست گویی و درست نویسی در رسانه:
- 1- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح
 - 2- پرهیز از تنظیم متن غلط
- ج) تامین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...
- د) لزوم گماشتن ویراستار در بخش های خبری
- ه) تاکید ویژه درباره نداشتن غلط هیچ خبری
- و) لزوم برخوردار بودن متون خبری از زیبایی های نگارشی
- ز) لزوم تعیین جایزه برای خدمت کنندگان به زبان فارسی در رسانه
- ح) تاکید بر استفاده از زبان فارسی صحیح در برنامه های تلویزیون برای مردم تاجیکستان
- ط) تاکید بر بخش دعاخوانی به زبان فارسی در رادیو و تلویزیون
- ی) گزارشگران، فارسی را با لهجه انگلیسی حرف نزنند
- ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما
- ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم تر از رسانه ملی
- م) استفاده از شیوه های گوناگون فارسی گویی و فارسی نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات

زبان علم و فارسی:

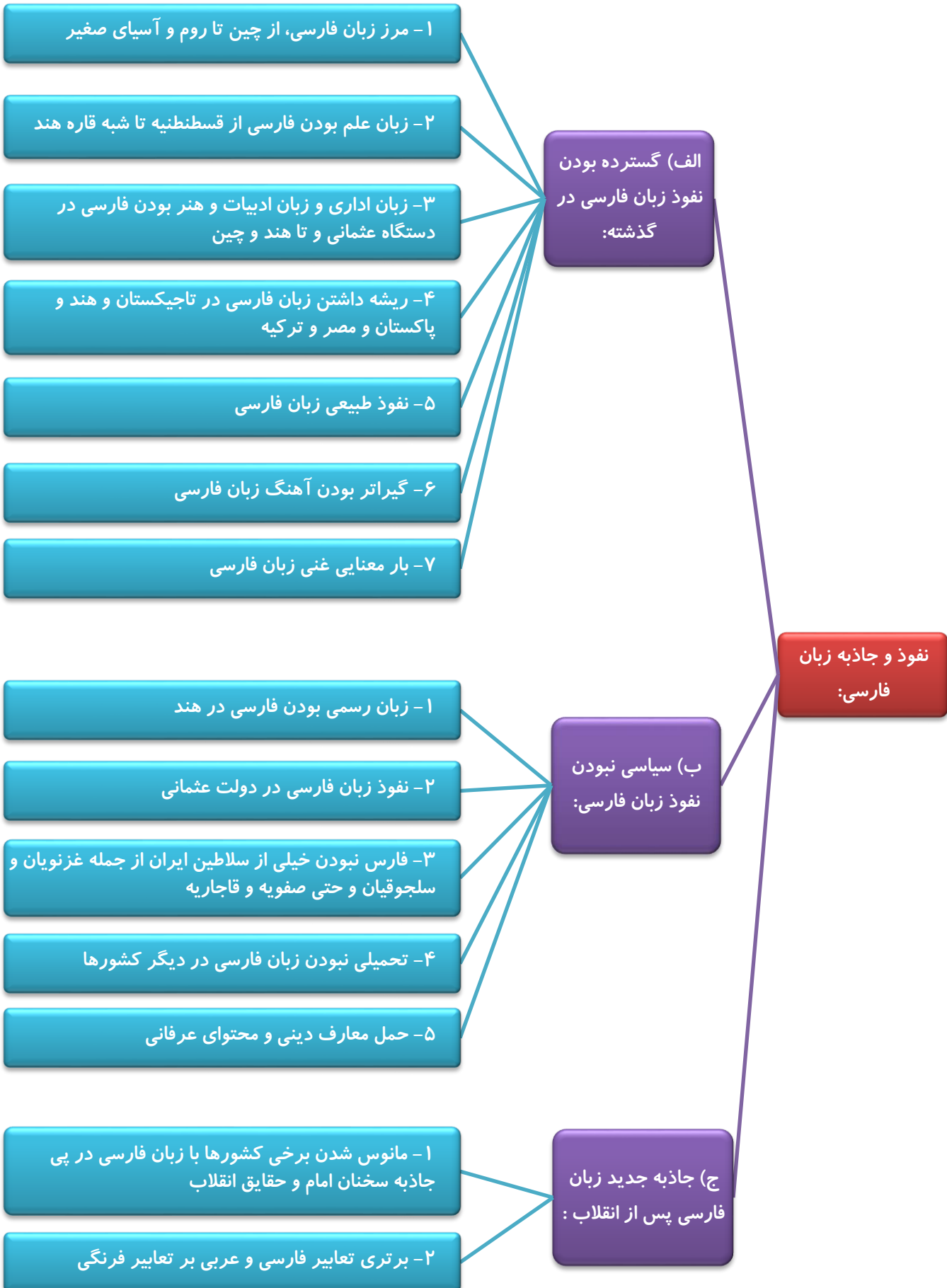
الف) تاکید بر زبان علم شدن فارسی:

- 1- ملزم شدن دانشمندان به یادگیری زبان فارسی برای دستیابی به نظریه های علمی و اختراعات
 - 2- زبان علم شدن فارسی، نشانه پیشرفت چشمگیر ایران
- ب) لزوم برنامه ریزی برای تبدیل کردن زبان فارسی به زبان علم
- ج) تولید علم در کشور برای افزایش نفوذ زبان فارسی
- د) تولید آثار تحقیقاتی برای گسترش زبان فارسی

انقلاب ایران و زبان فارسی:

- 1- انقلاب اسلامی ایران، مروج زبان فارسی
- 2- زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب
- 3- زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب

نفوذ و جاذبه زبان فارسی:



ظرفیت‌های زبان فارسی:



مراقبت از زبان فارسی:



الف) هشدارها:

۱- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی

۲- کوتاهی در حق زبان فارسی

۳- در حال فرسایش و انحطاط بودن زبان فارسی

۴- انحطاط زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار تا آخر دوره محمدرضا پهلوی

۵- تلاش عده ای برای تغییر خط فارسی

۶- افتخار عده ای درباره به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی

۷- ایجاد دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه با محوریت ساخت واژه های فرنگی و مجعول



هشدار به مسئولان در خصوص جلوگیری از فرسودگی و ویرانی زبان فارسی



اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی

ترجیح صحیح مهجور بر غلط مشهور

استفاده از زبان فارسی به جای انگلیسی در هواپیما

فارسی گوئی شاعران در شعر

ننوشتن اسم فارسی با خط لاتین

نگذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل

کار روی زبان فارسی با شیوه های هنری

لزوم درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی

پرهیز از غلط‌گویی و ترکیبات گرت‌ه برداری شده؛ مانند:

لازم به ذکر است

تصویر فلانی را داریم

صدای فلانی را داریم

این مذاکره را با هم داریم

دارو گرفتن

حمام گرفتن

کاربرد واژه تک

کاربرد واژه چالش

تلفظ غلط برخی از واژه‌ها

درست نخواندن اشعار شاعران بزرگ

غرور ملی

اتاق فکر

ثاراالله به معنای خون خدا

پیشگیری از جزو زبان شدن غلط ها

ضرورت نداشتن حذف واژه هایی که جزو زبان شده اند

لزوم تقویت زبان فارسی در داخل به منظور جلوگیری از تبدیل شدن
به زبانی دیگر در خارج

زبان فارسی نیازمند نوسازی روز به روز

لزوم تقویت فرهنگستان زبان

نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی

الف) اهمیت فراوان زبان در رادیو و تلویزیون:

- ۱- کاربرد درست زبان در برنامه های زنده
- ۲- تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط گویی و غلط نویسی

ب) تاکید بر درست گویی و درست نویسی در رسانه:

- ۱- پرهیز از غلط خوانی متن صحیح
- ۲- پرهیز از تنظیم متن غلط

ج) تامین راقی ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...

د) لزوم گماشتن ویراستار در بخش های خبری

ه) تاکید ویژه درباره غلط نداشتن هیچ خبری

و) لزوم برخوردار بودن متون خبری از زیبایی های نگارشی

ز) لزوم تعیین جایزه برای خدمت کنندگان به زبان فارسی در رسانه

ح) تاکید بر استفاده از زبان فارسی صحیح در برنامه های تلویزیون برای مردم تاجیکستان

ط) تاکید بر پخش دعاخوانی به زبان فارسی در رادیو و تلویزیون

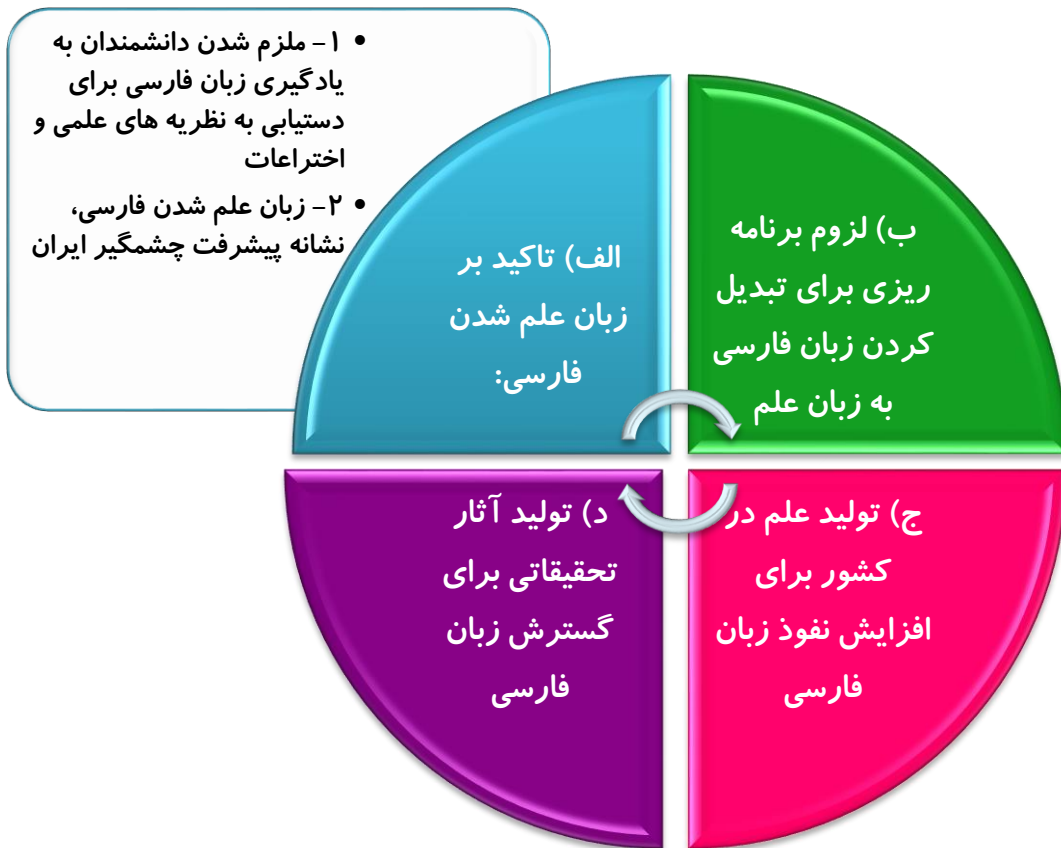
ی) گزارشگران فارسی را با لهجه انگلیسی حرف نزنند

ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما

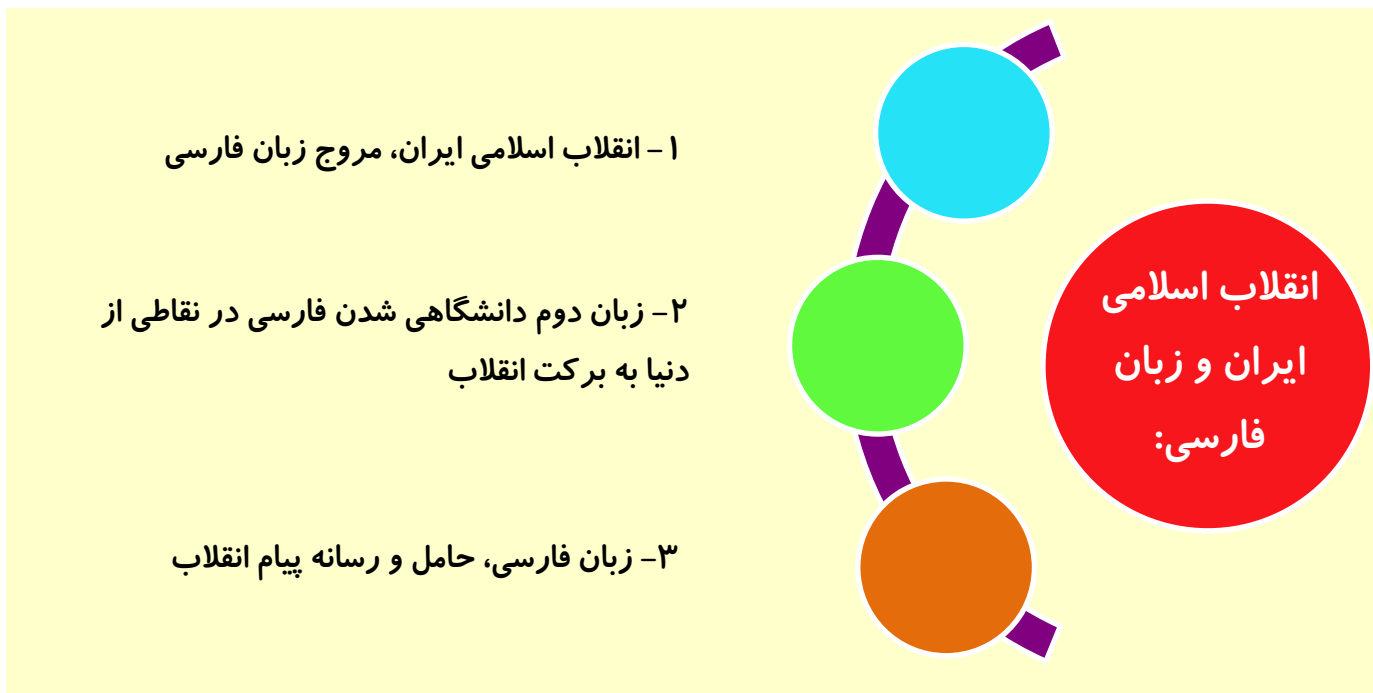
ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم تر از رسانه ملی

م) استفاده از شیوه های گوناگون فارسی گویی و فارسی نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات

زبان علم و فارسی:



انقلاب اسلامی ایران و زبان فارسی:



— شاخص‌ها و محورهای بیانات درباره اهمیت زبان فارسی

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
1	نفوذ و جاذبه زبان فارسی:	<p>الف) گسترده بودن نفوذ زبان فارسی در گذشته:</p> <p>1- مرز زبان فارسی، از چین تا روم و آسیای صغیر</p> <p>2- زبان علم بودن فارسی از قسطنطنیه تا شبه قاره هند</p> <p>3- زبان اداری و زبان ادبیات و هنر بودن فارسی در دستگاه عثمانی و تا هند و چین</p> <p>4- ریشه داشتن زبان فارسی در تاجیکستان و هند و پاکستان و مصر و ترکیه</p> <p>5- نفوذ طبیعی زبان فارسی</p> <p>6- گیراتر بودن آهنگ زبان فارسی</p> <p>7- بار معنایی غنی زبان فارسی</p> <p>ب) سیاسی نبودن نفوذ زبان فارسی:</p> <p>1- زبان رسمی بودن فارسی در هند</p> <p>2- نفوذ زبان فارسی در دولت عثمانی</p> <p>3- فارس نبودن خیلی از سلاطین ایران از جمله غزنویان و سلجوقیان و حتی صفویه و قاجاریه</p> <p>4- تحمیلی نبودن زبان فارسی در دیگر کشورها</p> <p>5- حمل معارف دینی و محتوای عرفانی</p> <p>ج) جاذبه جدید زبان فارسی پس از انقلاب:</p> <p>1- مانوس شدن برخی کشورها با زبان فارسی در پی جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب</p> <p>2- برتری تعبیر فارسی و عربی بر</p>	<p>« همان‌طور که اشاره کردید، یک روز از چین تا روم و همین آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می‌دادند. انسان می‌بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آنها به زبان فارسی بوده است و شعرایی به زبان فارسی داشتند. بهترین شعرای بخشی از دوران عثمانی، شعرای فارسی‌گو هستند؛ وضع هند و شبه قاره هند هم که معلوم است. بنابراین، نفوذ زبان فارسی بسیار بوده است.^۱</p> <p>- مطلب ششمی که من اینجا یادداشت کرده‌ام، مسئله زبان فارسی است؛ من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار برد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد. دوستان! زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قاره هند؛ اینکه عرض می‌کنم از روی اطلاع است. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه طولانی ای از زمان، زبان فارسی بوده. در شبه قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه قاره هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلو زبان فارسی را با انواع حیله و مکرهایی که مخصوص انگلیس‌هاست گرفتند. البته هنوز هم زبان فارسی آنجا رواج دارد و عاشق دارد؛ کسانی هستند در هند - که بنده رفته‌ام دیده‌ام، بعضی‌هایشان اینجا آمدند آنها را دیدیم - عاشق زبان فارسی اند.^۲</p> <p>- ده نکته در ادبیات، حائز اهمیت است: یکی پیش بردن ادبیات در هر عصری که به عهده کسانی است که سروکارشان با ادبیات است و در هر بخشی از بخش‌های ادبیات، نسبت به آن آگاهی، توانایی و خبریّت دارند. یک نکته خرج کردن درست ادبیات در سطح کشور، در سطح جامعه، یا در سطح جهان است؛ هرجایی که در بُرد ادبیات ماست. البته روزی از قسطنطنیه، یا از استانبول تا آسیای شرقی، بُرد ادبیات ما بود. خوب؛ زمانی این‌طور بوده است؛ زبان فارسی، زبان دیوانی کشور عثمانی بود. در همان زمانی که کشور عثمانی دائماً با ایران جنگ داشت، نفوذ زبان فارسی آن‌چنان بود که منشی و دبیر دستگاه عثمانی کار خودش را با خط فارسی، با عنوان فارسی، با تعبیر و زبان فارسی و با شعر فارسی راه می‌انداخت؛ از این طرف هم - طرف شرق - حتی تا هند و چین، زبان فارسی بُرد داشت. زبان مذهبی بود؛ زبان اداری، زبان دبیران و منشیان و زبان ادبیات و هنر بود.^۳</p> <p>- شما به تاجیکستان اشاره کردید؛ نمی‌دانم از هند و پاکستان و مصر و ترکیه خبر دارید، یا نه. این کشورها جاهایی است که زبان فارسی، سابقه و سلسله نسب و ریشه دارد؛ ولی متأسفانه مهجور شده است. ما بایستی تلاش وسیعی را شروع کنیم؛ و این نمی‌شود، مگر آن وقتی که در این خانه و در این مرکز اصلی، چشمه زبان فارسی بجوشد.^۴</p> <p>- هر زبانی که سعه نفوذ آن زیاد باشد، طبیعی است که با خود فرهنگی را حمل می</p>

1. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/21

2. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/۰۹/19

3. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1377/۰۲/23

4. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/۰۹/18

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>کند. کاری که امروز دولت‌های استعمارگر و سلطه‌طلب می‌خواهند با خرج‌های زیاد و با اعمال نفوذهای فراوانی در دنیا انجام بدهند، زبان فارسی آن کار را با نفوذ طبیعی خودش کرده است^۱.</p> <p>- نمی‌شود باور کرد که نفوذ زبان فارسی به خاطر قدرت سیاسی کشور فارسی زبان است. آن روزی که زبان فارسی در هند زبان رسمی بود، پادشاهان مغولی هند و تیموری‌ها، اگر از سلاطین صفویه - که در ایران بودند - مقتدرتر نبودند، قدرت کمتری نداشتند. اورنگ زیب از معاصر خودش در ایران به مراتب قوی‌تر بود؛ یعنی یک کشور بسیار ثروتمند در اختیارش بود؛ از لحاظ سیاسی قوی بود و تقریباً بر تمام منطقه شرق آسیا نیز مسلط بود؛ اما زبان آن مردم، زبان فارسی بود. نمی‌شد گفت که زبان فارسی را که خود این سلاطین و خانواده‌ها و دیوان‌ها و زنان و رعیتشان با شوق و ذوق می‌پذیرفتند، به خاطر این می‌پذیرفتند که مثلاً کشور ایران و حکومت صفوی یا حکومت نادری روی آنها نفوذ داشتند؛ نخیر، مسأله نفوذ سیاسی نیست؛ بایستی در چیز دیگری جستجو کرد. هیچ وقت ایران در دولت عثمانی نفوذ نداشته، که زبان فارسی را نفوذ سیاسی ما به آن‌جا ببرد؛ خودشان دولت مقتدری بودند؛ همیشه هم با کشور ایران در حال جنگ و درگیری بودند. اتفاقاً دورانی که زبان فارسی در ترکیه نفوذ داشته، تقریباً همان دوران صفویه است که در خود ایران زبان فارسی خیلی اوجی نداشته است. شعرای خوب ما در آن دوران فرار می‌کردند و از ایران می‌رفتند؛ اما ما می‌بینیم که در کشور عثمانی آن روز، زبان فارسی، زبان دیوانی و زبان شعری و زبان علمی و ادبی است؛ پس ناشی از نفوذ سیاسی نیست؛ یعنی نمی‌توان گمان کرد که علت گسترش زبان فارسی، نفوذ سیاسی دولت فارسی ایران است. علاوه بر این، خیلی از سلاطین ایران اصلاً فارس نبودند. غزنویان و سلجوقیان شاید زبان فارسی را درست هم نمی‌فهمیدند. خود صفویه و قاجاریه هیچ کدام فارسی زبان نبودند؛ اینها با فارسی خیلی انس و خویشاوندی نداشتند^۲.</p> <p>- بنابراین، علت نفوذ زبان فارسی در چیز دیگری است؛ شاید یک مقدار در خود ذات این زبان است؛ یعنی ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد. من از بعضی کسانی که در مجامع جهانی خیلی حضور پیدا می‌کنند و نطق‌های مختلف را می‌شنوند، شنیدم که می‌گفتند آهنگ زبان فارسی و نطق‌های فارسی، گیراتر از آهنگ زبان‌های دیگر است. ما هم گاهی می‌بینیم که بعضی از اشخاصی که از کشورهای متعدد به ایران می‌آیند و در اینجا صحبت می‌کنند، آن زیبایی و فراز و نشیب لطیف زبان فارسی در کلامشان احساس نمی‌شود. البته اینها را بایستی زبان‌شناسان بگویند؛ چیزی نیست که با گوش بشود فهمید؛ لابد موازین و معیارهایی دارد که اینها را زبان‌شناسان می‌فهمند^۳.</p> <p>- تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند</p>	<p>تعابیر فرنگی</p>		

1. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

2. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

3. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره هند که یکی از کانون‌های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگانشان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه کشورهایی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ‌جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از آمدن انگلیس‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر می‌گفتند؛ مثل امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی - که اهل دهلی است - و بسیاری از شعرای دیگر. اقبال لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیس‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیس‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف نزنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند^۱.</p> <p>- علت دیگر نفوذ زبان فارسی، آن بار معنایی است که این زبان با خودش حمل می‌کند. زبان فارسی، فرهنگ غنی‌ای را با خودش می‌برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است؛ یعنی اسلام در این منطقه شرق عالم، از شبه‌قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است. خیلی نزدیک به نظر می‌آید که یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا - و لااقل در این ناحیه - همراهی آن با دین و پیام دین و معارف دینی باشد؛ یعنی آن کسی که این دین و این معارف را می‌پذیرد، زبانی را هم که حامل آن است، می‌پذیرد. من دیده‌ام که قوال‌ها در هند در آن مقبره شاه ولی‌الله می‌نشینند و اشعاری را به زبان فارسی هم می‌خوانند. البته فارسی را هم خیلی بد می‌خوانند؛ یعنی صدایشان خوب است، لیکن خواندنشان خیلی غلط دارد؛ درعین‌حال اشعار، همان اشعار عرفانی و معنوی فارسی است؛ که یا از اشعار خود شاه ولی‌الله و یا از اشعار دیگران می‌خوانند. بنابراین، ما می‌توانیم آن محتوای عرفانی و آن فرهنگ اسلامی را که شکل لطیف و زیبایی خودش را در ایران داشته، عامل گسترش زبان بدانیم^۲.</p> <p>- امروز هم همین‌طور است؛ امروز هم حقیقتاً زبان فارسی در دنیا جاذبه جدیدی پیدا کرده است. من کسانی را از کشورهای عربی و غیرعربی دیده‌ام که اینها زبان فارسی را از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند. جاذبه سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی، اینها را با زبان فارسی مانوس کرده بود و این زبان را می‌فهمیدند. هم در منطقه شرقی عربستان که صدای ما به آنجا می‌رسد، هم در پاکستان و به خصوص در هند، و هم در آفریقا ما این را دیدیم. من سال ۵۹ هند بودم؛ در آنجا دیدم که کسانی به خاطر سرودهای انقلابی، زبان فارسی را می‌فهمند؛</p>			

^۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی 1391/۰۷/23

^۲. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>مطمئناً در جاهای دیگر هم این معنا وجود دارد. بنابراین، هر جا که جاذبه این فرهنگ و این تفکر بتواند راهی باز کند و نفوذی بکند، زبان فارسی هم هست!</p> <p>- من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد»^۱.</p>
2	ظرفیت‌های زبان فارسی:	<p>الف) ترکیب‌پذیری استثنایی زبان فارسی:</p> <p>1- با سلیقه عمل کردن در ساخت ترکیب‌های جدید</p> <p>2- بهره‌گیری از ظرفیت ترکیب‌پذیری زبان فارسی</p> <p>ب) نماد هویت ملی</p> <p>ج) منتقل‌کننده فرهنگ</p> <p>د) کمک به شکل‌گیری هنر جهانی</p> <p>ه) شیرینی و وسعت چشمگیر</p> <p>و) نماد ملیت ایران</p>	<p>«به نظر من، گاهی اوقات ترکیب‌های زیادی درست می‌شود، که باید قدری جلوی‌ش گرفته شود. ترکیب‌سازی هم شرایطی دارد. درست است که زبان ما، زبان ترکیبی است؛ اما بالاخره این ترکیب را چه کسی باید بسازد؟ زبان فارسی، خصوصیتش ترکیب‌پذیری است و می‌تواند بی‌نهایت مفهوم را در خودش جای بدهد. گمان می‌کنم که هیچ زبانی مثل زبان فارسی نیست - حالا زبان‌هایی که ما تا حدودی بلد هستیم؛ مثل عربی و ترکی - که بشود راحت دو یا سه کلمه را با هم ترکیب کرد و مثلاً چیزی مثل «شترگاو پلنگ» درآورد. واقعاً شترگاو پلنگ یک حیوان است؛ اما موجودی که هم شتر، هم گاو و هم پلنگ باشد، در عالم خارج وجود ندارد؛ درعین‌حال شما قشنگ می‌توانید شترگاو پلنگ را در ذهن‌تان ترسیم کنید.</p> <p>گاهی اوقات مثلاً می‌بینیم که یک شاعر فصیح، در آخر دیوان خود - که واقعاً اشعارش بسیار خوب است - چند کلمه نثر می‌نویسد که بعضی از عبارات آن، اشتباه واضح است. فرضاً از تعبیر «لازم به ذکر است» استفاده می‌کند که غلط است. بایستی همپای شعر، در زمینه نگارش نثر درست هم تلاش نمایید»^۲.</p> <p>- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که انقلابی براساس یک هدف تعریف شده فرهنگی بود - که به مقوله فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله هویت ملی - که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطور برجسته فرهنگ یک ملت است - اهتمام ورزیده شد، برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به‌هیچ وجه ممکن نبود در این کشور به‌وجود بیاید. این نوآوری‌ها، این پیشرفت‌های علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی - که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می‌شود - به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به‌وجود آورد. قبل از انقلاب از هویت ملی و ملیت اسم زیاد می‌آوردند؛ اما به هیچ وجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی‌کردند. البته علت هم واضح بود؛ چون آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می‌خواستند و در کشور عزیز ما منافع خود را تعریف کرده بودند، می‌دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی‌توانند به منفعی که هدف گرفته‌اند، برسند. به همین دلیل، هویت ملی در آن زمان در اینجا تضعیف شد. ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص‌های مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه‌ها و مطبوعات دوره طاغوت در کشور ما</p>

۱. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/۰۹/19

۳. بیانات در دیدار شرعای سازمان تبلیغات اسلامی 1369/۰۱/31

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال‌های کاملاً مجادله‌آمیز و مغالطه‌آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند^۱.</p> <p>- آن دستگاه‌هایی که مباشر امور ادبیات هستند، باید اثبات کنند که ادبیات، فقط یک سرگرمی و یک امر تشریفاتی و زاید‌ای در زندگی نیست؛ بلکه یک چیز ضروری است. فرض بفرمایید ما امروز مایلم که آن ملت‌هایی که در اطراف عالم با فرهنگ و ادبیات ایرانی آشنا بودند، این ارتباط و اتصالشان محفوظ بماند. می‌دانید که استعمار ده‌ها سال متمادی - شاید در بعضی جاها قرن‌ها - تلاش کرد تا آثار فرهنگ ایرانی را که در خیلی از نقاط دنیا وجود داشت، بزدايد؛ مثلاً در هند این معنا کاملاً واضح است. آن وقتی که کمپانی انگلیسی هند شرقی وارد هند شد، یکی از اولین تلاش‌هایش این بود که زبان فارسی را کنار بزند. این زبان اردو را که ملاحظه می‌کنید، ابتدا رسمی کردند، برای اینکه زبان فارسی را کنار بگذارند؛ بعد خود زبان اردو را هم کنار زدند و زبان انگلیسی را زبان رسمی کردند! از اوایل قرن نوزدهم این کار شروع شده و تا امروز هم ادامه دارد. اگر شما امروز به هند تشریف ببرید و با مردم غیر طبقات پایین انگلیسی حرف بزنید، همه آن را می‌دانند؛ چون زبانشان است. زبان رسمی، زبان دولتی و زبان اداری، زبان انگلیسی است؛ یک روز همین‌ها زبان فارسی بوده است؛ یعنی زبان رسمی، زبان حکومت، زبان دیوان، زبان مراسلات و احکام و قوانین، فارسی بوده است. حالا ما می‌خواهیم این را برگردانیم؛ به چه وسیله‌ای می‌شود این زبان را برگرداند؟ ما گلستان سعدی و دیوان حافظ و کتاب‌های فارسی همان چیزهایی که از نسل‌های گذشته، این زبان و ادبیات و فرهنگ را دارند منتقل می‌کنند، می‌فرستیم؛ آنها هم استقبال می‌کنند و می‌خوانند؛ این نقش ادبیات است، که به نظر بنده بسیار حایز اهمیت است؛ این را شما باید در محیط‌های ادبیاتی اثبات کنید^۲.</p> <p>- اگر کسی اینها را دقت کند، ممکن است رگه‌های سوءنیت را هم در این کار پیدا کند. من می‌گویم نگاه به رشته‌های علمی باید نگاه متوازن و برخاسته از آن نگاه کلی باشد. مثلاً یک مدتی واقعاً علوم انسانی در کشور ما مغفول‌عنه واقع شد؛ مدتی ادبیات فارسی - هویت ملی ما به زبان و خط ماست - اصلاً مورد غفلت و بی‌اعتنایی قرار گرفت؛ و خیلی چیزهای دیگر. این، نباید اتفاق بیفتد^۳.</p> <p>- برادران! اگر این‌طور است، پس بدانید که ما این سلاح را آن‌چنان که باید، درست به دست نگرفته‌ایم. البته کشور و سرزمین ما، سرزمین هنر است؛ یعنی هنر جهانی از هزار سال پیش به این طرف، در مجموع مدیون سرزمین ماست، مدیون زبان فارسی است، مدیون هنرمندان ایرانی است؛ لیکن ما این سلاح را در اختیار نگرفته‌ایم. علت هم این است که عده‌ای بودند، هنرمند هم بودند، صاحب جوهر هم بودند، اما نتوانستند خودشان را با انقلاب تطبیق بدهند؛ چون هنرمندی به معنای بقیه خصال خوب که نیست. ای بسا هنرمندی که هنرش خیلی بالاست، اما آدم پست و حقیر و بد و فاسق و فاسد و خیانتکاری است. از این قبیل زیاد داشتیم، الان هم داریم و جلوی چشممان فراوان قرار دارند^۴.</p> <p>- فارسی صحیح، زبان شیرین و پُروستعی است. الان زبان ما، از زبان عربی وسیع‌تر است. البته زبان دری اصلی که ما تا امروز بر آن اساس حرکت کرده‌ایم، از عربی وسیع‌تر نیست؛ لیکن امروز هرچه که در زبان ماست - تقریباً شصت درصد زبان ماست و</p>			

۱. بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما 1383/02/28

۲. بیانات در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران 1370/12/05

۳. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی 1385/05/23

۴. بیانات در دیدار اعضای کنگره شعر حوزه 1370/07/15

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>چهل درصد از عربی لغت آورده‌ایم - متعلق به ماست و به قول مرحوم آل احمد، زبانی که من با آن حرف می‌زنم، زبان من است. مثلاً بگوییم «حرف»، عربی است و آن را تلفظ نکنیم! نه، این‌طور نیست. «حرف»، فارسی است و ما با هم حرف می‌زنیم! - مسائل گوناگونی مطرح می‌شود. توصیه من این است که در زمینه‌ی علاقه به ایران، علاقه به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهم‌ترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه به ایران، این جوری تحقق پیدا می‌کند. ما در کشور زبان‌های مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبان‌های مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه زبان فارسی، ترک زبان‌ها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم... م. ان‌شاءالله کردها هم می‌نویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال می‌کنیم. محققین برجسته ترک زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات را در زمینه زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود»^۱.</p>
3	مراقبت از زبان فارسی:	<p>الف) هشدارها:</p> <p>1- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی</p> <p>2- کوتاهی در حق زبان فارسی</p> <p>3- در حال فرسایش و انحطاط بودن زبان فارسی</p> <p>4- انحطاط زبان و ادبیات فارسی در دوره قاجار تا آخر دوره محمدرضا پهلوی</p> <p>5- تلاش عده‌ای برای تغییر خط فارسی</p> <p>6- افتخار عده‌ای درباره به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی</p> <p>7- ایجاد دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه با محوریت ساخت واژه‌های فرنگی و مجعول</p> <p>ب) اقدامات و پرهیزها:</p> <p>1- درخواست از صداوسیما در خصوص ترویج زبان صحیح و معیار:</p> <p>1-1- لزوم جلوگیری از ترویج زبان بی‌هویت و تعابیر غلط و بدتر از همه تعابیر خارجی</p>	<p>- «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان، در خصوص زبان فارسی ابراز نگرانی کردند و گفتند: من راجع به زبان فارسی حقیقتاً نگرانم زیرا در جریان عمومی، زبان فارسی در حال فرسایش است. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: من از صداوسیما گله‌مندم، به دلیل اینکه به جای ترویج زبان صحیح و معیار و زبان صیقل‌خورده و درست، گاهی زبان بی‌هویت و تعابیر غلط و بدتر از همه تعابیر خارجی را ترویج می‌کند. انتشار فلان لغت فرنگی یک مترجم یا نویسنده از تلویزیون، موجب عمومی شدن آن لغت و آلوده شدن زبان به زوائد مضر می‌شود. ایشان با تقبیح استفاده‌ی فراوان از لغات بیگانه در رسانه‌ها، خطاب به مسئولان تأکید کردند: نگذارید زبان فارسی دچار فرسودگی و ویرانی شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین از ولنگاری زبانی و ساخت لفظی بسیار نازل برخی ترانه‌ها و پخش آنها از صداوسیما در سریال‌ها نیز انتقاد کردند و گفتند: زبان فارسی قرنهای متمادی است که عمدتاً به‌وسیله‌ی شاعران بزرگ حفظ شده و این‌گونه سالم و فصیح به دست ما رسیده است، بنابراین ما باید حرمت زبان را حفظ کنیم و اجازه نداریم با بی‌مبالاتی آن را به دست فلان ترانه‌سرای بی‌هنر بدهیم که الفاظ را خراب کند و بعد نیز با پول بیت‌المال در صداوسیما و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی پخش شود»^۲.</p> <p>- «مطلب ششمی که من اینجا یادداشت کرده‌ام، مسئله زبان فارسی است؛ من خیلی نگران زبان فارسی ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد. دوستان! زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه</p>

1. بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما 1369/12/21

2. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت 1390/06/06

3. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب با رهبر انقلاب 1398/02/30

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		<p>2- هشدار به مسئولان در خصوص جلوگیری از فرسودگی و ویرانی زبان فارسی</p> <p>3- انتقاد از ولنگاری زبانی و ساخت لفظی بسیار نازل برخی ترانه‌ها و پخش آنها از صداوسیما:</p> <p>3-1- لزوم حفظ حرمت زبان فارسی که به وسیله شاعران بزرگ حفظ شده و این‌گونه سالم و فصیح به دست ما رسیده است</p> <p>4- مراقبت از خط و زبان، تقویت کننده هویت ملی</p> <p>5- اختصاص مکان و ضوابطی برای پالایش درست زبان فارسی</p> <p>6- ترجیح صحیح مهجور بر غلط مشهور</p> <p>7- استفاده از زبان فارسی به جای انگلیسی در هواپیما</p> <p>8- فارسی‌گویی شاعران در شعر</p> <p>9- نوشتن اسم فارسی با خط لاتین</p> <p>10- نگذاشتن نام فرنگی روی محصولات تولید شده داخل</p> <p>11- نوشتن نام فارسی در کنار نام فرنگی در محصولات صادراتی</p> <p>12- نگذاشتن نام‌ها و تعبیرات فرنگی بر شرکت‌ها، مغازه‌ها و ...</p> <p>13- کار روی زبان فارسی با شیوه‌های هنری</p> <p>14- لزوم درست یاد دادن زبان فارسی به فرزندان از کودکی</p> <p>15- پرهیز از غلط‌گویی و ترکیبات گرت‌برداری شده؛ مانند:</p> <p>- لازم به ذکر است - تصویر فلانی را داریم - صدای فلانی را داریم - این مذاکره را با هم داریم - دارو گرفتن - حمام گرفتن</p>	<p>قاره هند؛ اینکه عرض می‌کنم از روی اطلاع است. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه طولانی‌ای از زمان، زبان فارسی بوده. در شبه قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه قاره هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلو زبان فارسی را با انواع حیل و مکرهایی که مخصوص انگلیس‌هاست گرفتند. البته هنوز هم زبان فارسی آنجا رواج دارد و عاشق دارد؛ کسانی هستند در هند - که بنده رفته‌ام دیده‌ام، بعضی هایشان اینجا آمدند آنها را دیدیم - عاشق زبان فارسی اند!</p> <p>- باید اعتراف کنیم که در کار زبان فارسی تقصیر شده است. نه فقط در این چند ساله اول پیروزی انقلاب که هرکسی به کاری مشغول بود، به این مهم چندان پرداخته نشد، بلکه در گذشته نیز تقصیرهای بزرگ تر و بیش تری صورت گرفت و با اینکه در این کشور ادبا و شعرا و فارسی دانان و فارسی‌گویان بزرگی بودند، اما در این سنین متمادی، زبان فارسی آن رشدی را که بایستی می‌کرد و آن سعه‌ای را که در دنیا باید پیدا می‌کرد، پیدا نکرد!</p> <p>- امروز متأسفانه زبان واقعاً در حال انحطاط است. در حالی که منابع زبان فارسی ما همچنان محفوظ است، اما آدم می‌بیند که زبانی که در اختیار نویسنده و گوینده و خبره و حتی شاعر و ادیب و کتاب‌نویس و امثال اینهاست، به شکل بسیار بدی مطرح می‌شود؛ و آن وقت این زبان قابل صدور نیست. ما باید بدانیم که وقتی این زبان از وطن خودش دور شد و به کشور بیگانه رفت، پاره‌ای شکستگی‌ها در آن به وجود خواهد آمد؛ باید فکر آن را بکنیم، اینجا مستحکم درستش بکنیم، که در آن‌جا اقلماً چیزی از آن باقی بماند. الان شما زبان شعری که در هند زندگی کرده‌اند - حتی نثر هندی را - ملاحظه کنید. پدر مرحوم میرحامد حسین هندی - صاحب «عیقات» - کتابی نوشته است، که در مقدمه آن کتاب، ناشر هندی شرحی در باب زبان فارسی در هند بیان می‌کند و می‌گوید این نثری که شما می‌بینید، نثر فارسی هند است؛ برای اینکه من فارسی ایرانی وقتی این را می‌خوانم، استعجاب نکنم! این یک منطق است؛ اما منطق بسیار صوری و سطحی است. فارسی هند یعنی چه؟! فارسی هند غلط است. حالا که به آنجا رفته و این شکلی شده، نباید گفت این فارسی هند است، بپذیرید! هند که جزو خاستگاه‌های زبان فارسی نیست. باید نگاه کنند، ببینند فارسی ایران چیست، فارسی خراسان چیست، فارسی فارس چیست، تا از آن، فارسی را درست کنند؛ معیار این است. وقتی زبان رنگ غربت گرفت، طبعاً یک مقدار خراب می‌شود. ما باید در اینجا آن‌چنان بنیه زبان را قوی کنیم، که در آنجاها هم قابل استفاده باشد؛ و وقتی رفت و دچار آن شکستگی‌ها شد، تبدیل به زبان دیگری نشود!</p> <p>- امروز این دایره محدود شده است. البته بعد از انقلاب مقداری گسترش پیدا کرده؛ ولی قبل از انقلاب بر اثر تنگ‌نظری و نادانی و بی‌سوادی مسئولان کشور در دوره اواخر قاجار تا آخر زمان محمدرضا پهلوی، زبان و ادبیات فارسی انحطاط پیدا کرد. با اینکه ما در همین دوره، انصافاً شخصیت‌های خوب ادبی، شاعر و نویسنده بزرگ هم داشتیم، لیکن از لحاظ گسترش سیاسی و از لحاظ قدر و قیمت بین‌المللی، در پایین‌ترین وضعیت قرار گرفتیم! علت هم این بود که در مهد زبان فارسی - یعنی ایران -</p>

1. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/09/19

2. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/11/27

3. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می جستند! این نهایت انحطاط است. عده‌ای راجع به تغییر خط حرف می زدند و عده‌ای در مورد به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی افتخار می کردند و خودشان را در مقابل آن کوچک می دانستند! آنجایی هم که می خواستند فارسی سازی کنند، حتی لغت‌سازی فارسی شان نوعی اظهار ارادت به لغت بیگانه بود! واقعاً از چیزهای عجیبی که انسان مشاهده می کند، اینکه یک دستگاه لغت‌سازی در ارتش زمان شاه وجود داشت؛ آنها می نشستند و لغتی را از لغتنامه کهن فارسی انتخاب می کردند که یک نوع شباهتی به زبان خارجی داشته باشد! گاهی هم لغت فارسی جعل می کردند؛ لغت‌سازی می کردند. البته لغت‌سازی، کار جایزی است؛ به شرط اینکه آن کسی که لغت‌سازی می کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت‌سازی شان با توجه به لغت خارجی بود! «تک» را در مقابل «آتک» و برای تقلید از «آتک» می آوردند! «چالش» را برای تقلید از «چلنج» می‌آوردند! این‌طور لغت‌سازی می کردند. از این قبیل، زیاد است و شاید اگر کسی واقعاً دنبال کند، بتواند یک دفتر از این‌گونه لغت هایی که عمدتاً بر محور لغت انگلیسی می گشته، بیابد. خوب؛ وقتی که در مهد زبان فارسی، زبان فارسی این‌گونه مورد بی اعتنائی است که بلد نیستند درست فارسی حرف بزنند، انتظار پیشرفت آن بی جاست!¹</p> <p>- یک وقت یک نخست‌وزیر عرب‌زبان، در زمان ریاست جمهوری بنده آمده بود با من ملاقات می کرد - یادم نیست که رئیس جمهور بود یا نخست‌وزیر - وزیر خارجه‌اش هم پهلوی نشسته بود. با من عربی صحبت می کرد، یک جمله را خواست بگوید، آن مفهوم را نتوانست در عربی پیدا کند! هرچه فکر کرد، دید یادش نمی‌آید. به طرف وزیر خارجه‌اش برگشت و به فرانسوی پرسید که این چه می شود؟ آن مفهوم را به لغت فرانسوی گفت و عربی معادلش را به رئیسش گفت؛ آن وقت ایشان به من گفت! جالب این‌جاست که من به‌عنوان مخاطب او که زبانم هم عربی نبود، آن معادل را می دانستم و برایم سخت نبود! من فارسی زبان بودم و آن آقا لغت عربی خودش را بلد نبود و از راه لغت معنی فرانسوی - عربی، از وزیر خارجه‌اش پرسید! من در دلم گفتم بی خود نیست شما این‌قدر بدبختید که زبان خودتان را هم بلد نیستید؛ در حالی که شما رئیس کشورتان هستید! عزیزان من! این وضع، قبل از انقلاب در ایران هم وجود داشت. خیلی تعجب نکنید؛ زبان خودشان را بلد نبودند!¹</p> <p>- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که انقلابی براساس یک هدف تعریف شده فرهنگی بود - که به مقوله فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله هویت ملی - که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطور برجسته فرهنگ یک ملت است - اهتمام ورزیده شد، برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به هیچ وجه ممکن نبود در این کشور به‌وجود بیاید. این نوآوری‌ها، این پیشرفت‌های علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه‌های نو علمی و تحقیقی - که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می شود - به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به‌وجود آورد. قبل از انقلاب از هویت ملی و</p>	<p>- کاربرد واژه تک - کاربرد واژه چالش - تلفظ غلط برخی از واژه‌ها - درست خواندن اشعار شاعران بزرگ - غرور ملی - اتناق فکر - تارالله به معنای خون خدا</p> <p>16- پیشگیری از جزو زبان شدن غلط‌ها</p> <p>17- ضرورت نداشتن حذف واژه‌هایی که جزو زبان شده‌اند</p> <p>18- لزوم تقویت زبان فارسی در داخل به منظور جلوگیری از تبدیل شدن به زبانی دیگر در خارج</p> <p>19- زبان فارسی نیازمند نوسازی روز به روز</p> <p>20- لزوم تقویت فرهنگستان زبان</p> <p>21- نگرانی فراوان در خصوص تهاجم به زبان فارسی</p>		

1. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1377/02/23

2. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1377/02/23

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>ملیت اسم زیاد می آوردند؛ اما به هیچ وجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی کردند. البته علت هم واضح بود؛ چون آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می خواستند و در کشور عزیز ما منافع خود را تعریف کرده بودند، می دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی توانند به منافعی که هدف گرفته‌اند، برسند. به همین دلیل، هویت ملی در آن زمان در اینجا تضعیف شد. ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آنجا پیش رفتیم که افراد برجسته‌ای خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخص های مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه‌ها و مطبوعات دوره طاغوت در کشور ما علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلال های کاملاً مجادله‌آمیز و مغالطه‌آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند^۱.</p> <p>در چنین شرایطی، در کانون زبان فارسی، باید به این زبان رسید. این زبان خیلی سعه و ظرفیت دارد. البته در این زمینه من حرف تازه‌ای برای حضار این مجلس ندارم. به نظر من، زبان فارسی از جهتی یک زبان استثنایی است. زبان عربی با آن گسترش واژگانی که دارد، خصوصیت زبان فارسی را ندارد و آن، ترکیب‌پذیری زبان فارسی است. می شود با سلیقه‌های خوب، از زبان فارسی، بی نهایت ترکیب های خوب درست کرد. البته ترکیب های غلط و بد هم می شود درست کرد و امروز ما دچار این بلیه هستیم؛ یعنی هرکس ترکیبی درست می کند! البته در سابق لغت درست می کردند، که دفع کردنش آسان تر بود. من دیده بودم که در مجامع اهل ادب و شعر مشهد - که مردمان فاضل و با درکی آنجا بودند - این لغت های داستیری و جعلی و من‌درآوردی را می شناختند؛ اصلاً از آهنگ لغت می گفتند که این داستیری است؛ درست هم بود؛ تحقیق می کردند، معلوم می شد که واقعاً همین‌طور است. درعین‌حال، ما ترکیب های داستیری نداریم. الان ترکیب، دست همه افتاده و همه ترکیب درست می کنند! عجیب این است که بعضی از این طباع عوام، یک ترکیب خوب را خیلی دیرتر و سخت‌تر می پذیرند تا ترکیب غلط را^۲!</p> <p>- گفته می شود که «غلط مشهور» بهتر از «صحیح مهجور» است؛ البته این در جاهایی درست است. در این ترکیباتی که یک وقت عوامی آمده حرفی را زده، عوام دیگری هم از او تقلید کرده و عوام هایی نیز آن را پی درپی گفته‌اند، واقعاً نمی شود این را ملاک قرار داد و گفت چون معروف شده، ما این را قبول داریم؛ باید حذفش کرد؛ ولاً زبان به کلی ضایع خواهد شد^۳.</p> <p>- الان شما در ایران سوار هواپیما می شوید و می بینید کسی که در برج مراقبت هست و یک ایرانی است، با این خلبان که او نیز یک ایرانی است، حتماً انگلیسی حرف می زند! بنده گفتم در آن هواپیمایی که من سوار می شوم، این کار ممنوع است! چرا فارسی حرف نمی زنند؟! آخر یک وقت هست که شما با یک برج بیگانه - که او مثلاً چینی است و شما فارس هستید و زبان یکدیگر را نمی دانید - از زبان مشترک</p>			

۱. بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما 1383/02/28

۲. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/11/27

۳. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/11/27

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>انگلیسی استفاده می کنید؛ اما بنده مثلاً به مشهد که می روم، به چه مناسبت شما انگلیسی حرف می زنید؟! علتش این است که واژه‌ها انگلیسی است و اینها فقط باید این واژه‌ها را به یکدیگر ربط بدهند؛ خودشان را دیگر دچار زحمت نمی کنند؛ همان ربط انگلیسی را می دهند! پس ما باید واژه بگذاریم، تا زبان در محیط هایی، این گونه منزوی نشود؛ که متأسفانه منزوی شده است...^۱</p> <p>- در جمع شما خانم صفارزاده هم هستند که بحمدالله رتبه شعری بسیار والا و برجسته‌ای دارند؛ این خیلی جای خوشحالی است. البته بعضی از آقایان هم شعر را می سرایند، اما تطفلاً من نمی دانم که در جمع شما، شاعر مختص به شعر و شاعر حرفه‌ای داریم یا نداریم - البته ما از شعرهای آقای دکتر حبیبی و آقای دکتر حداد و آقای محیط طباطبایی هم استفاده کرده‌ایم - ولی درعین حال نباید کفه شعر را خیلی در اقلیت قرار داد. خانم صفارزاده بحمدالله زبانشان، زبان بسیار خوبی است؛ یعنی سطح شعرشان واقعاً خیلی بالاست. اگر شما باز هم بتوانید در آن جمع شعرایی که باقی مانده‌اند، این جهت «فارسی گویی» را غنی کنید، خیلی بهتر است. می دانید که شعرا هم مختلف اند؛ بعضی واقعاً فارسی گو هستند، بعضی هم چندان فارسی گو نیستند و با فارسی خیلی انس ندارند. بنابراین، قریحه شعری، همیشه ملازم با تسلط بر زبان نیست.^۲</p> <p>- اما ما در کانون زبان فارسی، داریم زبان فارسی را فراموش می کنیم؛ برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن، برای جلوگیری از دخیل های خارجی هیچ اقدامی نمی کنیم. یواش یواش [در] تعبیرات ما یک حرف هایی می زنند - هر روزی هم که می گذرد یک چیز جدیدی می آید - ما هم نشنفته‌ایم. گاهی می آیند یک کلمه‌ای می گویند، بنده می گویم معنای آن را نمی فهمم، می گویم معنای آن چیست؟ معنا [که] می کنند، تازه ما اطلاع پیدا می کنیم که این کلمه آمده؛ [این] یواش یواش کشانده شده به طبقات و توده مردم؛ این خطرناک است. اسم فارسی را با خط لاتین می نویسند! خب چرا؟ چه کسی می خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟ اسم فارسی با حروف لاتین! یا اسم های فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ایران که برای من عکس هایش را و تصویرهایش را فرستادند! خب چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آنجا در کنار زبان فارسی - فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نبایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود - البته زبان خارجی هم به آن کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می شود، در داخل مصرف می شود، چه لزومی دارد؟ روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی ها همین جور؛ من واقعا حیرت می کنم. این جزو چیزهایی است که شما خیلی درباره‌اش مسئولیت دارید. البته من مثال هایی در ذهن دارم برای این استعمال زبان فارسی که نمی خواهم دیگر حالا آنها را عرض کنم؛ نام شرکت، نام محصول، نام مغازه! و از این قبیل همین طور مکرر تعبیرات فرنگی و به خصوص انگلیسی؛ من از این احساس خطر می کنم و لازم است که حضرات و شورای عالی</p>			

¹ .بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

² .بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/۱۱/27

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>انقلاب فرهنگی نسبت به این مسئله به جد دنبال کنند و دولت به طور جدی مواجه بشود با این مسئله. حالا معنای مواجهه این نیست که فوراً فردا مثلاً با یک شیوه تندی یا شیوه خشنی برخورد کنند، [مواجه بشوید] اما حکمت‌آمیز؛ ببینید چکار می‌توانید بکنید که جلو این را بگیرید؛ این هم یک مسئله^۱.</p> <p>- به‌هرحال، امیدواریم زبان فارسی گسترش پیدا کند. زبان فارسی زبانی است با ظرفیت و با کشش. یکی از مراکزی که باید در آن روی زبان و ادبیات - به خصوص با شیوه‌های هنری - تلاش شود، مرکز شماسست؛ چون شما با نسلی کار می‌کنید که آن نسل هرچه را که از شما فرا گرفت، برایش ماندگار خواهد بود^۲.</p> <p>- اگر امروز کودک ما فارسی را درست یاد بگیرد و بتواند لغت فارسی را در جایی که لازم دارد، استفاده و مصرف کند، اگر شاعر شد، اگر هنرمند، گوینده، برنامه‌ساز، یا کتاب‌نویس شد، شما دیگر خاطرتان جمع است؛ مثل کتاب‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس، گوینده تلویزیون و افرادی نظیر آنها که در محیط قبلی پرورش پیدا کرده‌اند، نخواهد بود. یعنی شما در حرکت خودتان در کانون، می‌توانید آن دو مقصود و دو وظیفه‌ای را که در باب ادبیات هست، هر دو را با هم تأمین کنید؛ هم ادبیات را پیش ببرید، هم آن را در قشرهای گوناگون - که قشر مخاطب شما کودک است - درست صرف کنید. بنابراین به زبان و ادبیات، باید خیلی اهمیت داده شود^۳.</p> <p>- ما این همه تکرار کردیم، در رادیو و تلویزیون هم گفتیم که نگویید «لازم به ذکر است»؛ اما هر کاری می‌کنیم، نمی‌شود! رسماً گفتیم، ابلاغ هم کردند، در سخنرانی هم گفتیم که این ترکیب «لازم به ذکر است» را نگویید؛ ولی باز می‌گویند! یک روز در جلسه‌ای در صدا و سیما - که شاید بعضی از آقایان هم بودند - من صحبتی کردم و گفتم که اینقدر نگویید «داریم»؛ این تصویر فلانی را داریم، این صدای فلانی را داریم، این مذاکره را با هم داریم؛ این یک گرت‌برداری غلط از زبان بیگانه است؛ در فارسی چنین چیزی نداریم. مثلاً به جای اینکه بگوید من با شما گفتگویی بکنم، می‌گوید من با شما گفتگویی داشته باشم؛ مرتب این فعل «داشتن» را به‌صورت کمکی‌های غیر وارد و غیر صحیح و غیر اصیل در زبان فارسی استفاده می‌کنند؛ هرچه هم می‌گوییم، فایده‌ای ندارد! این همان بلیه بزرگ زبان فارسی در حال حاضر است. واقعاً ضابطه‌ای لازم است؛ جایی لازم است که این مشکلات زبان فارسی را تمام کند و نگذارد که به اسم زبان، از مسیرها و جریان‌های غلط، گنداب‌هایی وارد دریاچه زبان فارسی شود و این زبان را آلوده کند؛ واقعاً پالایش صحیحی وجود داشته باشد^۴.</p> <p>- رادیو و تلویزیون اگر مواظب زبان خودشان نباشند، دایم امواج فاسد پخش می‌کنند. واقعاً انسان گاهی می‌بیند که برخی از واژه‌ها غلط تلفظ می‌شود؛ مثلاً نام شهری که در الجزایر است، درست تلفظ نمی‌شود - البته این هم بد است - اما گاهی هم هست که شعر حافظ یا صائب را غلط می‌خوانند؛ آدم می‌خواهد یقه خودش را پاره کند! شعر به آن قشنگی را - به خصوص در تلویزیون - بد می‌خوانند، غلط می‌خوانند، زشت می‌خوانند؛ این در حالی است که این اشعار را به عنوان تفریح و رفع خستگی، میان دو برنامه قرائت می‌کنند! آخر چه اصراری است آدم شعری را که بلد</p>			

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/09/19

۲. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1377/02/23

۳. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1377/02/23

۴. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1370/11/27

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>نیست بخواند، بخواند؟! متأسفانه این اشکالات هست. اتفاقاً اگر فرهنگستان به این قضیه بپردازد و نسبت به آن اهتمام بورزد، بسیار بسیار خوب و مفید خواهد بود؛ ان‌شاءالله طوری بشود که این موارد هم اصلاح گردد^۱.</p> <p>- در محیط بیمارستان‌ها خیلی اوقات همین‌طور است؛ در جاهای دیگر همین‌طور است؛ اینها جاهایی است که ما دیده‌ایم. مثلاً می‌گویند شما دوایتان را گرفتید؟ ما دوا را نمی‌گیریم؛ ما دوا را می‌خوریم یا می‌نوشیم. یا فرضاً می‌گویند شما حمام گرفتید؟ ما حمام را نمی‌گیریم؛ چرا ما باید حمام را بگیریم؟! ما به حمام می‌رویم، یا استحمام می‌کنیم. این ترکیب‌های غلط بیگانه از زبان فارسی را همین‌طور آوردند و سطوح بالا و مردمان با اسم و رسم و عالم هم اینها را به کار می‌برند؛ مردم عوام هم خیال می‌کنند که باید این طوری حرف بزنند تا عالم باشند؛ غافل از اینکه نه، این جهل است؛ اینکه علم نیست^۲!</p> <p>- البته لغت‌سازی، کار جایی است؛ به شرط اینکه آن کسی که لغت‌سازی می‌کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت‌سازی شان با توجه به لغت خارجی بود! «تک» را در مقابل «آتک» و برای تقلید از «آتک» می‌آوردند! «چالش» را برای تقلید از «چلنج» می‌آوردند! این طوری لغت‌سازی می‌کردند. از این قبیل، زیاد است و شاید اگر کسی واقعاً دنبال کند، بتواند یک دفتر از این گونه لغت‌هایی که عمدتاً بر محور لغت انگلیسی می‌گشته، بیابد. خوب؛ وقتی که در مهد زبان فارسی، زبان فارسی این‌گونه مورد بی‌اعتنایی است که بلد نیستند درست فارسی حرف بزنند، انتظار پیشرفت آن بی‌جاست^۳!</p> <p>- من همین امروز به مناسبتی داشتم فکر می‌کردم، که این تعبیر «غرور ملی» نظرم را جلب کرد. «غرور ملی» یعنی چه؟ آن چیزی که در فارسی از این اصطلاح تفاهم می‌شود، چیست؟ یعنی آن احساس عزت ملی؛ یعنی یک ملت به خود احساس اعتزاز و شرف کند. طبیعی است که کلمه غرور این را نمیرساند. کسی که با زبان عربی آشناست و غرر در باب بیع را می‌خواند، و «غرکم بالله الغرور» را می‌خواند، می‌داند که غرور یعنی فریفتگی جاهلانه؛ یعنی کسی که از روی جهالت فریفته بشود؛ لذا می‌گویند فلانی آدم مغروری است؛ این زشت است. اتفاقاً این تعبیر در فارسی ما وجود دارد؛ البته نه در تعبیرات سیاسی، بلکه در تعبیرات معمولی. می‌گویند آدم باغروری است، آدم مغروری است؛ یعنی خودفریفتگی جاهلانه دارد؛ این بد است. این واژه وقتی در فرهنگ سیاسی می‌آید، می‌شود «غرور ملی»، می‌شود خوب! ما واقعاً چه داعیایی داریم که اصطلاحی را که معنای نارسا و غلطی دارد، بگوییم؛ که بعد من روحانی وقتی که از زبان عرب وارد زبان فارسی می‌شوم، تا دیدم می‌گویند «غرور ملی»، بگویم آقا ساکت شوید، «غرور ملی» چیست؛ آن را کنار بگذارید! در حالی که مقصود شما از «غرور ملی»، اصلاً آن معنای بد این اصطلاح نیست. شما می‌خواهید آن شرف ملی را بگویید، خیلی خوب، به تعبیر درستش بگویید که من هم در فهم مراد شما اشتباه نکنم. ببینید، کار به اینجا رسیده است. امروز کسی فکر نمی‌کند که اصطلاح «غرور ملی»، اصطلاح غلطی باشد؛ اما غلط است، و این غلط، عدم تفاهم به وجود</p>			

۱. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۰/۱۱/۲۷

۲. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۰/۱۱/۲۷

۳. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۷/۰۲/۲۳

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>آورده است. خود کلمه «ملی» هم از همین قبیل است. ملت، به معنای «شعب» و «امت» نیست؛ ملت، یعنی دین. «ملّة ابراهیم حنیفا»، یعنی آیین ابراهیم. این واژه از زمان مشروطه آمده و نمی‌شود آن را کاری کرد. این‌قدر گفته‌ایم ملت ایران، که به قول آقای نجفی جزو زبان شده است. این از آن مواردی است که نمی‌شود از زبان اخراج کرد. ملت، یعنی همین امت ما. حالا نمی‌دانم که اصلاً فارسی ملت چیست؛ باید یک معادل فارسی برای این واژه پیدا کنیم. «خلق» هم عربی است. این واژه را تاجیک‌ها از کمونیست‌ها گرفتند. کمونیست‌های داخلی خودمان هم «خلق» می‌گفتند؛ خیال می‌کردند وقتی گفتند خلق، کلمه ملت را ضایع می‌کنند! بالاخره هر مکتبی واژه جدیدی برای خودش می‌آورد که معادل فارسی ندارد؛ حالا واقعاً بگردیم یک کلمه فارسی برای این واژه پیدا کنیم!</p> <p>- یک نکته دیگر این است که گفتیم هیئت‌های اندیشه‌ورز؛ من اصرار دارم این کلمه «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها می‌گویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است، می‌آیند آقایان می‌نشینند کلمات فرنگی را تبدیل می‌کنند به ترجمه تحت‌اللفظی فارسی، همان‌ها را مدام با افتخار به کار می‌برند؛ نه، ما خودمان زبان داریم، واژه‌سازی کنیم. «هیئت‌های اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این بچه‌ها اینجا می‌گویند ما شوق داریم و ما را بفرستید و چرا نمی‌فرستید، همان جنگ سخت است؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که چه کسی برود، کی برود، چه‌جوری برود؛ تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصه بسیار وسیعی است و روزه‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد گسترده‌تر می‌شود و خیلی هم خطرناک‌تر از جنگ سخت است - یعنی در جنگ سخت، جسم‌ها به خاک و خون کشیده می‌شوند، اولی‌ا روح‌ها پرواز می‌کنند و می‌روند به بهشت؛ [اما] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسم‌ها پرواز می‌شوند و سالم می‌مانند، [ولی] روح‌ها می‌روند به قعر جهنم؛ فرقی این است؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است - هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد!</p> <p>- در همه آثار اسلامی، ما دو نفر را داریم که از آنها به «ثارالله» تعبیر شده است. در فارسی، ما یک معادل درست و کامل برای اصطلاح عربی «ثار» نداریم. وقتی کسی از خانواده‌ای از روی ظلم به قتل می‌رسد، خانواده مقتول صاحب این خون است. این را «ثار» می‌گویند و آن خانواده حق دارد خونخواهی کند. اینکه می‌گویند خون خدا، تعبیر خیلی نارسا و ناقصی از «ثار» است و درست مراد را نمی‌فهماند. «ثار»، یعنی حق خونخواهی. اگر کسی «ثار» یک خانواده است، یعنی این خانواده حق دارد درباره او خونخواهی کند. در تاریخ اسلام از دو نفر اسم آورده شده است که صاحب خون اینها و کسی که حق خونخواهی اینها را دارد، خداست. این دو نفر یکی امام حسین است و یکی هم پدرش امیرالمؤمنین؛ «یا ثارالله وابن ثاره». پدرش امیرالمؤمنین هم حق خونخواهی اش متعلق به خداست.^۳</p> <p>- این کتابی که جناب آقای نجفی چند سال پیش نوشتند - «غلط ننویسیم» - من</p>			

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

۲. بیانات در دیدار بسیجیان 1395/09/03

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1377/10/18

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>همان وقت آن را گرفتیم خواندم و حواشیی هم بر آن زدم. در این کتاب دیده‌ام که ایشان با همه دقتی که دارند - که واقعاً هم بجاست - جاهایی می‌گویند که مثلاً این واژه غلط است، اما دیگر جزو زبان شده است و نمی‌شود آن را کاری کرد؛ نمونه‌هایی هم ارائه شده است که حق با ایشان است. وقتی چیزی جزو زبان شد، نمی‌شود آن را از بدنه زبان بیرون کشید؛ این اصلاً عملی نیست. با بیرون آوردن آن واژه، اختلالی به وجود می‌آید؛ لیکن این خودش یک مصیبت است. ما نباید بگذاریم یک غلط، جزو زبان بشود.^۱</p> <p>- من از آن آدم‌هایی نیستم که معتقد باشم چون کلمه عربی است، باید آن را کنار گذاشت؛ نه، کلمه عربی است، اما به قول مرحوم آل احمد، جزو زبان من است. او می‌گفت، به من اعتراض می‌کنند که چرا کلمات عربی به کار می‌بری؟ در پاسخ می‌گفت که این جزو زبان من است؛ عربی نیست، بیگانه نیست؛ حالا اصلش متعلق به هر جا باشد. من آن اعتقاد را ندارم؛ اما چرا زبان ما با این سعه عظیم و با این گسترش فراوان - که بلاشک از این جهت، از زبان عربی بازتر و پُرکشش‌تر است و ترکیب‌پذیری خوبی دارد - بایستی در یک کلمه گیر کند؟ به هر حال، ما معادل فارسی «ملت» را هم نداریم؛ چاره‌ای نداریم؛ بایستی کلمه «ملت» را بگذاریم. غرض، می‌خواهم عرض بکنم که مسئله ویراستاری، این قدر حساس است.^۲</p> <p>- آدم می‌بیند که زبانی که در اختیار نویسنده و گوینده و خبرده و حتی شاعر و ادیب و کتاب‌نویس و امثال اینهاست، به شکل بسیار بدی مطرح می‌شود؛ و آن وقت این زبان قابل صدور نیست. ما باید بدانیم که وقتی این زبان از وطن خودش دور شد و به کشور بیگانه رفت، پاره‌ای شکستگی‌ها در آن به وجود خواهد آمد؛ باید فکر آن را بکنیم، اینجا مستحکم درستش بکنیم، که در آن جا اقلأ چیزی از آن باقی بماند. الان شما زبان شعریایی که در هند زندگی کرده‌اند - حتی نثر هندی را - ملاحظه کنید. پدر مرحوم میرحامد حسین هندی - صاحب «عبقات» - کتابی نوشته است، که در مقدمه آن کتاب، ناشر هندی شرحی در باب زبان فارسی در هند بیان می‌کند و می‌گوید این نثری که شما می‌بینید، نثر فارسی هند است؛ برای اینکه من فارسی ایرانی وقتی این را می‌خوانم، استعجاب نکنم! این یک منطق است؛ اما منطق بسیار صوری و سطحی است. فارسی هند یعنی چه؟! فارسی هند غلط است. حالا که به آنجا رفته و این شکلی شده، نباید گفت این فارسی هند است، بپذیرید! هند که جزو خاستگاه‌های زبان فارسی نیست. باید نگاه کنند، ببینند فارسی ایران چیست، فارسی خراسان چیست، فارسی فارس چیست، تا از آن، فارسی را درست کنند؛ معیار این است. وقتی زبان رنگ غربت گرفت، طبعاً یک مقدار خراب می‌شود. ما باید در اینجا آن‌چنان بنیه زبان را قوی کنیم، که در آنجاها هم قابل استفاده باشد؛ و وقتی رفت و دچار آن شکستگی‌ها شد، تبدیل به زبان دیگری نشود.^۳</p> <p>زبان فارسی مثل همه زبان‌های دیگر، محتاج نوسازی روزبه‌روز است. وقتی این ریشه سالم است، باید روزبه‌روز شاخه و برگ‌هایش زیاد بشود و اتساع پیدا کند. متأسفانه این کار نشده است؛ نه اینکه امروز نشده، بلکه در تمام دوران پنجاه، شصت‌ساله گذشته، جز کارهای فردی، هیچ کاری انجام نشده است. این فرهنگستان‌ها چیزهای</p>			

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>بسیار خنثایی بودند و از اول تا حالا تقریباً یک چیز حسابی بیرون ندادند. اگر یک وقت یک نویسنده حسابی، یک شاعر خوب، یک انسان بزرگ باذوق، توانسته در حد شخصی کاری انجام بدهد، یک قدم زبان را پیش برده؛ و آلاً یک کار جریان‌ی انجام نگرفته است^۱.</p> <p>- این فرهنگستانی که اخیراً تشکیل شده - که البته از پنج، شش سال پیش من در شورای عالی انقلاب فرهنگی خیلی مصر بودم که این کار انجام بگیرد - باید تقویت شود. اگر ما این فرهنگستان یا هر چیز زاینده زبان را داشته باشیم، اما متوجه آفات زبان نباشیم، همه کارها ضایع خواهد شد. اهمیت این ویراستاری در اینجا معلوم می‌شود^۲.</p>
4	زبان فارسی و رسانه:	<p>الف) اهمیت فراوان زبان در رادیو و تلویزیون:</p> <p>1- کاربرد درست زبان در برنامه های زنده</p> <p>2- تعیین معیارهایی برای پرهیز از غلط‌گویی و غلط‌نویسی</p> <p>ب) تاکید بر درست‌گویی و درست‌نویسی در رسانه:</p> <p>1- پرهیز از غلط‌خوانی متن صحیح</p> <p>2- پرهیز از تنظیم متن غلط</p> <p>ج) تامین راقی‌ترین سطح ادای فارسی در خبر و تفسیر و ...</p> <p>د) لزوم گماشتن ویراستار در بخش‌های خبری</p> <p>ه) تاکید ویژه درباره غلط نداشتن هیچ خبری</p> <p>و) لزوم برخوردار بودن متون خبری از زیبایی‌های نگارشی</p> <p>ز) لزوم تعیین جایزه برای خدمت‌کنندگان به زبان فارسی در رسانه</p> <p>ح) تاکید بر استفاده از زبان فارسی صحیح در برنامه های تلویزیون برای مردم تاجیکستان</p> <p>ط) تاکید بر پخش دعاخوانی به زبان فارسی در رادیو و تلویزیون</p>	<p>- «علی‌ای حال، مسئله زبان در رادیو و تلویزیون، مسئله بسیار مهمی است. البته اول «خبر» است؛ لیکن از «خبر» که بگذریم، این برنامه‌های زنده هم که پخش می‌شود، همین‌طور است؛ مثل همین برنامه «روزنه» که شما گفتید، یا آن برنامه «عصرانه»، یا آن برنامه «سلام صبح بخیر» که خیلی هم شنونده دارد. آیا شما برنامه «سلام صبح بخیر» را می‌شنوید، یا نه؟ وقتی آدم این برنامه را می‌شنود، واقعاً دلش خون می‌شود! حرف‌هایی می‌زنند و تعبیراتی به کار می‌برند که آدم واقعاً غصه‌اش می‌شود! باید کاری کرد، باید فکری کرد، باید معیارهایی گذاشت. آن جوانی که آنجا نشسته و دارد برنامه اجرا می‌کند، بیچاره تقصیری هم ندارد؛ او همه وسع خودش را دارد مصرف می‌کند؛ باید به او وسع و توان و سواد داد. ان‌شاء‌الله همه اینها باید اصلاح بشود، تا بتوانیم زبان را عرضه بکنیم^۳.</p> <p>- امروز خوشبختانه قدر زبان فارسی برای مردم ایران بیش از گذشته شناخته شده است. در دوره گذشته، من با محافل ادبی و بعضی از اساتید زبان کم و بیش ارتباط داشتم. در آن دوره، کسانی که ادبیاتی بودند و به طور سنتی اهل زبان بودند، فارسی را دوست می‌داشتند؛ اما خرج‌کنندگان زبان فارسی، یعنی بدنه نظام - منظور ملت نیستند؛ منظور، مسئولان و کسانی که وابسته به تشکیلات دولتی بودند - برایشان اصلاً و ابداً مسئله زبان فارسی اهمیتی نداشت. شاید شماها بدانید که ارتش یک دستگاه لغت‌سازی داشت، که گمان می‌کنم در کتاب جناب‌عالی هم به آن اشاره‌ای شده باشد. اینها برداشتند لغت‌سازی‌های غلط کردند و از زبان‌های خارجی لغت گرفتند؛ به طوری که برایشان اصلاً زبان فارسی اهمیت نداشت. گرایش به زبان اروپایی، به خصوص زبان انگلیسی، در این اواخر بسیار زیاد بوده است؛ بیشتر این زبان را نگاه می‌کردند و به آن گرایش داشتند؛ مثلاً اصرار داشتند که واژه‌ی «تک» را حتماً از Attack انگلیسی درست کنند! در غیر آنجاها هم وجود داشته، اما در آنجاها بیشتر بوده است^۴.</p> <p>- در گذشته، این‌طور فکر نمی‌کردند. در زمان قاجار، آن مسئولان دولتی اصلاً کمتر از این بودند که به این موارد فکر کنند؛ مگر افراد خاصشان. در زمان رژیم گذشته هم عده‌ای از همان ادبیاتی‌های سنتی بودند؛ و آلاً بدنه نظام اصلاً و ابداً اعتقادی به زبان فارسی نداشتند. اگر گفته می‌شد که مثلاً بناست اینجا زبان انگلیسی، زبان رسمی بشود، ککشان نمی‌گزید! کم‌اینکه دیدیم عده‌ای از اینها آزادانه مسئله خط لاتین و زبان اسپرانتو را بارها مطرح کردند! من در عمر خودم، دو، سه مرتبه در دو، سه مقطع،</p>

1. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

2. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

3. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

4. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		<p>ی) گزارشگران فارسی را با لهجه انگلیسی حرف نزنند</p> <p>ک) لزوم فارسی معیار بودن زبان صداوسیما</p> <p>ل) حفظ زبان فارسی در مطبوعات، مهم‌تر از رسانه ملی</p> <p>م) استفاده از شیوه‌های گوناگون فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی برای عنوان زدن در مطبوعات</p>	<p>همین مسئله خط لاتین و زبان اسپرانتو را در مطبوعات زمان طاغوت خوانده بودم؛ اما حالا کسی جرئت نمی‌کند این حرف‌ها را بزند. الان هیچ‌کس در ایران جرئت تفوه به این حرف‌ها را ندارد؛ اما آن زمان نه، راحت می‌نوشتند و به دنبال آن، شایعه می‌شد و جنجال به پا می‌گردید. این به خاطر آن بود که زبان فارسی برایشان اهمیتی نداشت؛ اما امروز این‌طور نیست. امروز ما می‌توانیم در این فضا ان‌شاءالله خدمت بزرگی به زبان فارسی بکنیم!</p> <p>- نقش آقایان، نقش خیلی حساسی است. بحمدالله همه‌تان هم جزو کسانی هستید که هم به این کار واردید و اهل فن و اهل اطلاع اید، و هم دلسوزید. می‌بینم که خوشبختانه مصداق «جز به خردمند مفرما عمل» شده است. الحمدالله کار، خردمندانه پیش می‌رود. ان‌شاءالله کار را با صبر و حوصله و خردمندی پیش ببرید و خبرهای پیشرفت کار را هم به ما بگویید، که مژده و خبر خوشی خواهد بود. من کتابی به نام «آیین نگارش» از آقای سمیعی دیدم، که پیداست آقایان بحمدالله به زبان فارسی علاقه بنیادی دارند^۱.</p> <p>- زبان فارسی، علاوه بر گسترش و ترکیب‌پذیری خودش، زبان بسیار خوب و شیرین و پُرگنجایشی است و مثل یک بادکنک، صد برابر حجم فعلی خودش، قابل گسترش است؛ اما زبان عربی، این‌طوری نیست. زبان عربی، مثل یک جوال بزرگ است؛ همانی است که هست و گسترش و قابلیت اتساعش کم است. زبان فارسی، کوچک‌تر از آن است؛ اما قابلیت اتساعش خیلی زیاد است. این زبان قابل اتساع و توانا، علاوه بر آنکه نصف زبان عربی هم الان جزوش است، همه ظرافت‌ها را می‌تواند بیان کند. زبان به این خوبی را چرا با تعبیرات غلط، آن هم در رادیو و تلویزیون، خرابش کنیم؟ پس ببینید، درست‌گویی مهم است^۲.</p> <p>- بعد دوم کار شما، کار هنری است. شما هنرمندید؛ یعنی کار شما دقیقاً یک کار هنری است. این متن بایستی طوری تنظیم بشود و به‌گونه‌ای ارایه گردد و خواننده بشود که جاذبه داشته‌باشد. از چیزهایی که جاذبه را از بین می‌برد، غلط خوانی است. غلط خوانی، دو گونه است: یکی غلط خوانی متن صحیح است، یکی هم تنظیم متن غلط است؛ یعنی صحیح‌خوانی متن غلط. غلط خوانی متن صحیح این است که شما مثلاً کلمه‌ای را بد بخوانید. فرضاً آن برادرانی که گوینده هستند، عبارات فارسی را غلط بخوانند، یا مثلاً عبارات عربی را درست تلفظ نکنند. البته حالا بحمدالله خیلی بهتر شده؛ ولی اوایل که خیلی بد بود. نمی‌شود گفت به کلی بی‌غلط شده؛ اما بحمدالله خیلی کم‌غلط است؛ به خصوص آن وقتی که برادران کار می‌کنند و من گاهی مطلع می‌شوم که روی متنی، خیلی کار می‌شود. پس، غلط خوانی، یکی از چیزهای ضد جاذبه است. غلط تنظیم کردن هم همین‌طور است^۳.</p> <p>- شما باید راقی‌ترین سطح ادای فارسی را در متن هایتان تأمین کنید. فرق هم نمی‌کند که چه متنی باشد؛ متن خبر باشد، یا متن تفسیر؛ چون تفسیر هم به‌قدر خبر اهمیت دارد. بنابراین، آن چیزی که خواننده می‌شود، باید یکی از قوی‌ترین و صحیح‌ترین متون فارسی باشد. متأسفانه، الان این‌طور نیست. من بارها هم این را گفته‌ام؛ ولی درعین حال هست^۴.</p> <p>- البته کلمات و جملات غلط نشاندارِ گاو پیشانی سفید زشتی - مثل «لازم به ذکر</p>

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18

۳. بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما 1369/12/21

۴. بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما 1369/12/21

۵. بیانات در دیدار مسئولان بخش‌های خبری صداوسیما 1369/12/21

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>است» - بود که مرتب در خبرها تکرار می شد؛ ولی خوشبختانه حالا آنها نیست. من در یکی از سمینارهای صدا و سیما، به خصوص روی این جمله تأکید کردم و گفتم: «لازم به ذکر است»، غلط است. چرا این قدر «لازم به ذکر است» می گویند؟ مثل این است که شما «باید» را «باید» بخوانید! خوب است؟ این کلمه غلط را باید آدم نگوید و اصلاً باید بپرهیزد. واقعاً شنیدن یک کلمه غلط، برای کسی که می داند غلط است، مثل یک سیلی است که به گوش او زده شود! ... این تعبیر «لازم به ذکر است»، از آن چیزهایی بود که یک مقدار رویش حساس شده بودم و هر دفعه‌ای که گفته می شد، واقعاً تکانی می خوردم. البته حالا خوشبختانه قدری کمتر شده است. هرچند بخشنامه شده که این جمله را به کار نبرند، ولی دیگران به کار می برند! الحمدلله در خبر نیست؛ اما من گاهی می بینم که در گفته‌های غیر خبر تلویزیون و در وسط یک صحبت خوب، یک نفر که بیان خیلی لطیف و ظریف و خوبی هم دارد، ناگهان چیزی یادش می آید و می گوید: «لازم به ذکر است!» واقعاً چه داعیی داری که صحبت به این خوبی را با این کلمه غلط خراب کنی؟! حالا این، یک کلمه است؛ ولی من اگر بخواهم غلط ها را بشمارم، بیشتر از اینهاست. باید اصلاً غلط نباشد. باید اصلاً شما ممیز - و به قول خارجی ها، ادیتور - داشته باشید و او نگاه کند و بگوید که این کلمه صحیح است، یا نه. نگذارید هیچ خبری، اصلاً غلط تنظیم بشود. رندترین و رایج ترین سخن یک رسانه، خبر آن است؛ بنابراین نباید غلط باشد^۱.</p> <p>- مقام معظم رهبری به قابلیت گسترش زبان فارسی در بیان تمامی ظرافت ها اشاره کردند و خطاب به مسئولان و گویندگان خبر صدا و سیما فرمودند: خبر رایج ترین سخن یک رسانه است و متون خبری باید از زیبایی های ادبی و نگارشی برخوردار باشند و با هنرمندی و در نهایت زیبایی و گستردگی ارائه شوند تا همه مردم آن را بفهمند و این کاری هنری است که باید به آن اهمیت داده شود^۲.</p> <p>- اتفاقاً یادم است که او می خواست راجع به «جاحظ» صحبت کند. اسم جاحظ، «عمرو بن بحرین محبوب» است؛ ولی او «عمر بن بحرین محبوب» خواند! وقتی آدم جاحظ به این معرفی را این طوری بشنود، واقعاً خیلی جوش می خورد. ای کاش آن وقتی که غلطی گفته می شود، کسی غیر از من شنونده نباشد. ممکن است شنونده‌تان، یک ادیب، یک فاضل، یک منتقد نظام، یا یک دشمن شما باشد. من خوفم از دشمنان شماست که نگویند ببینید اینها با زبان فارسی چه می کنند. بنابراین، زبان فارسی واقعاً خیلی مهم است. باید مراقبت و دقت گردد و برای کسانی که خوبند، جایزه گذاشته بشود^۳.</p> <p>- شما در خراسان برای مردم تاجیک - چه تاجیک های شمال افغانستان که فارسی زبان اند، چه مردم تاجیکستان که الان بعد از هفتاد، هشتاد سال دارند احساس فارسی بودن می کنند - برنامه پخش می کنید. هیچانی در آن مردم وجود دارد که می خواهند زبان فارسی را، زبان رودکی را - که متعلق به خودشان هم است - یا زبان شعرای برجسته و ادبای قدیمی ما را به خودشان نسبت دهند؛ این را شما باید توجه داشته باشید و جذب کنید. هرچه بشود برنامه فارسی خوب پخش کنید، هرچه بشود به خصوص در آن منطقه از زبان فارسی صحیح و بدون غلط استفاده کنید، این به نفع ماست؛ یعنی به نفع همان هدف هایی است که عرض شد. حتی در ازبکستان و ترکمنستان عده‌ای فارسی زبان هستند؛ به مناسبت سیاست هایی که اتحاد جماهیر</p>			

۱. بیانات در دیدار مسئولان بخش های خبری صداوسیما 1369/۱۲/21

۲. بیانات در دیدار مسئولان بخش های خبری صداوسیما 1369/۱۲/21

۳. بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما 1369/۰۵/07

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>شوروی داشته، اینها تقسیم شده‌اند. سمرقند و بخارا جزو تاجیکستان نیست؛ ولی زبانشان تاجیکی و فارسی است. فارسی زبان هایی که الان در منطقه آسیای میانه هستند، متفرق اند و در یک جا جمع نیستند. همین‌طور به طرف غرب که می رویم، زبان ترکی آذربایجانی اهمیت پیدا می کند.</p> <p>- به عکس، هرچه می توانید، دعا و ترجمه دعا و مفاهیم دعا را که به زبان خوب بیان شده باشد، بگذارید. البته من نگاه می کنم، می بینم که این سبک دعاخوانی عربی هم که گاهی بعد از اذان پخش می شود، نه مردم ما خیلی از آن چیزی می فهمند، نه از آن خوششان می آید و نه در آنها حال ایجاد می کند؛ همان سبک دعاخوانی فارسی - که مدت ها بعد از اذان صبح در شبکه سراسری رادیو می گذاشتند و حالا هم مدت هاست که متأسفانه مرتب نمی گذارند - بیشتر حال ایجاد می کند. مقصود این است که هرچه بیشتر بتوان آن مفاهیم را به مردم رساند. فقط صرف دعاخوانی هم نباشد؛ چنانچه همان مفاهیم دعا بیان بشود، بسیار مفید است^۱.</p> <p>- آن مردِ مجذوبِ مفتونِ دانشِ غربی ها می گفت: ما باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم. چرا؟ ما ایرانی هستیم و باید ایرانی بمانیم. ما مسلمانیم و باید مسلمان باشیم. آنها بیشتر از ما علم دارند؛ خوب، ما می رویم علمشان را یاد می گیریم؛ چرا باید عادات و فرهنگ و رفتار و آداب معاشرت آنها را یاد بگیریم؛ این چه منطق غلطی است؟ چون آنها به دلیلی باید چیزی به نام کراوات دور گردنشان ببندند - که البته ما نمی گوئیم شما چرا کراوات می بندید؛ کراوات مال آنهاست - آیا ما هم باید از آنها تقلید کنیم؟ منطق ما برای این کار چیست؟ چرا ما لباس و رفتار و آداب معاشرت و حرف زدن و حتی لهجه آنها را تقلید کنیم؟ من گاهی می بینم در تلویزیون گزارشگر ما از فلان نقطه دنیا دارد به زبان فارسی گزارش می دهد و مطلب مربوط به ایران است؛ اما زبان فارسی را طوری حرف می زند مثل اینکه یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می زند! این، ضعف نفس و احساس حقارت است؛ چرا من باید به خاطر ایرانی بودنم احساس حقارت کنم؟ من به زبان خودم افتخار می کنم؛ من به فرهنگ خودم افتخار می کنم؛ من به وطن و کشور و گذشته خودم افتخار می کنم؛ چرا باید از آنها تقلید کنم؟ برای تقلید از آنها دلیلی ندارم. علم آنها بیشتر است؛ خیلی خوب، ما علمشان را یاد می گیریم و اگر هزینه‌ای هم داشته باشد، می پردازیم. اینها هم اتفاقاً یاد گرفته‌اند که علم را باید با پول عوض کرد. امروز بیشترین چیزی که برای غربی ها مطرح است، پول است^۲.</p> <p>- زبان صداوسیما باید فارسی درست و به راستی زبان معیار باشد. غلط گوئی و غلط خوانی یکسره از بین برود، و صداوسیما آموزنده زبان شیرین و رسا و پرتوان فارسی باشد. در این باره تلاش هائی شده است و باید تکمیل گردد^۳.</p> <p>- من البته نکاتی را در ارتباط با مطبوعاتمان یادداشت کرده‌ام که نشانگر ضعف های موجود این رسانه است. حضور نداشتن قوی در مسائل بین‌المللی، نبود تحلیل های قوی، ضعف کارهای هنری و ضعف زبان فارسی، از آن جمله است.</p> <p>خوب؛ کاغذی را که شما در هیئت روزنامه یا مجله به دست خواننده می دهید، برای او «لغتِ امام»؛ یعنی «زبان معیار» می شود. این را چگونه می خواهید تهیه کنید؟ آن وقت ناله سر می دهیم که زبان فارسی چنین و چنان شد! مگر نه اینکه از مطبوعات باید زبان فارسی را درست کرد؟ مطبوعات، از این جهت، از صدا و سیما مهم تر است.</p>			

۱. بیانات در دیدار مدیران مراکز سازمان صدا و سیما در استان‌ها 1370/۱۲/07

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان 1383/۰۴/17

۳. انتصاب دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما 1372/۱۱/24

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>من البته راجع به زبان فارسی، سال هاست - شاید ده سال بیشتر است - که با صدا و سیما بحث و بگو مگو دارم؛ برای اینکه در آن زمینه پیشرفت کنند؛ کارهایی بکنند و اشکالات را بر طرف سازند. اما روزنامه‌ها، از این جهت از صدا و سیما مهم ترند. چون مخاطبین آن رسانه، در زمینه زبان فارسی و نکات و ظرایف زبانی و دستوری، فقط از طریق گوش ارتباط دارند و مواردی که عنوان می شود، لحظه‌ای و گذراست. اما مطبوعات در خانه و کاشانه ما، برای مدت ها می مانند؛ افراد متعددی آن را می خوانند و در آن تعمق می کنند.</p> <p>- یکی دیگر از ضعف های مطبوعات ما، تقلید کورکورانه از کارهای غرب است. گفتیم که روزنامه‌های غرب، از ما قوی تر و پخته‌ترند؛ اما معنایش این نیست که ما شکل عنوان‌گزینی خود را هم مانند آنها کنیم. فرض بفرمایید کیفیت دستور زبان انگلیسی، مثلاً در عقب و جلو بودن عناصر جمله، با زبان فارسی فرق می کند. آنها طبق دستور و قاعده زبان خودشان، شکل عنوان را مشخص می کنند. چه لزومی دارد که ما در زبان فارسی عیناً همان را تقلید کنیم؟! در بعضی از روزنامه‌ها می بینیم که عیناً از شکل عنوان‌گزینی روزنامه‌های امریکایی و انگلیسی تقلید می کنند؛ که البته از ما بدتر در این زمینه، عرب‌ها هستند! چه لزومی دارد این کار را بکنیم؟! فارسی، زبانی غنی و شیرین است. هزار شیوه در کار فارسی گویی و فارسی نویسی برای عنوان زدن وجود دارد. خوب؛ از این شیوه‌ها استفاده کنیم. البته آنها بعضی از کارهای خوب هم می کنند که باید یاد گرفت. مثلاً خوش آهنگ کردن عناوین در بین مطبوعات انگلیسی، امر بسیار رایجی است. یعنی عنوان های خوش آهنگ با سجع های آغاز کلام می زنند. البته سجع ما، نه در آغاز که در پایان کلام و جمله است. آنها از این کارها می کنند، که خوب است. این کارها را اگر به طور محدود تقلید کنیم، منعی ندارد؛ گرچه تقلید یکسره، جایز نیست^۱.</p>
5	<p>زبان علم و فارسی:</p>	<p>الف) تاکید بر زبان علم شدن فارسی:</p> <p>1- ملزم شدن دانشمندان به یادگیری زبان فارسی برای دستیابی به نظریه های علمی و اختراعات</p> <p>2- زبان علم شدن فارسی، نشانه پیشرفت چشمگیر ایران</p> <p>ب) لزوم برنامه ریزی برای تبدیل کردن زبان فارسی به زبان علم</p> <p>ج) تولید علم در کشور برای افزایش نفوذ زبان فارسی</p> <p>د) تولید آثار تحقیقاتی برای گسترش زبان فارسی</p>	<p>- « من مکرر گفته‌ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قلّه‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه بخش ها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقی پیدا کند^۲.</p> <p>- وقتی ما می گوییم مرزهای علم را باید بشکافیم و باید از سخن روز علم یک قدم جلوتر برویم، این برای بعضی باورنکردنی است. وقتی من می گویم ما باید به آنجا برسیم که اگر در اکناف عالم یک پژوهشگر، یک دانشمند، بخواهد به فلان نظریه علمی یا نظریه فلسفی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد، بعضی با نگاه انکارآمیز به این نگاه می کنند. من معتقدم و می بینم در مقابل خودم که چنین چیزی شدنی است. ما اگر همت کنیم، می توانیم تا بیست سال دیگر، تا سی سال دیگر، کاری کنیم که وقتی نام‌آوران عرصه علم و فناوری را در دنیا نام می‌آورند، ایرانیان و کشور ما در صدر قرار بگیرد؛ می توانیم این کار را بکنیم؛ ما استعدادمان خیلی خوب است؛ همه چیز این را گواهی می دهد. آنچه ما کم داشتیم - که انقلاب</p>

¹ .بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور 1375/۰۲/13

² .بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا 1393/۰۲/10

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>به ما داد - اعتمادبه‌نفس بود؛ ما امروز اعتمادبه‌نفس پیدا کرده‌ایم. جریان علمی کشور، خوشبختانه جریان خوبی است؛ این جوان های ما امروز اعتمادبه‌نفس دارند^۱.</p> <p>- آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد. من این مطلب را داخل پراتنز بگویم؛ هفته گذشته به یک مشت جوان که اینجا آمده بودند، گفتم آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد^۲.</p> <p>- اینکه من گفتم زبان فارسی - که مجری محترم برنامه اشاره کردند - منظوم بحث زبان فارسی نیست؛ البته زبان فارسی خیلی چیز ارزشمندی است و ما در جای خود درباره‌اش زیاد تأکید کرده‌ایم، حرف من این است که ما از لحاظ علمی به جایی برسیم که دیگری اگر بخواهد آن دانش را و آن رتبه بالا را یاد بگیرد مجبور باشد بیاید زبان فارسی یاد بگیرد. همچنان که شما امروز در بخشی از علوم اگر بخواهید به تازه‌های علمی دست پیدا کنید مجبورید زبان انگلیسی یا زبان فرانسه را مثلاً یاد بگیرید؛ حرف من این است؛ ما باید کشور را به اینجا برسانیم. بله، ما انرژی داریم، توان داریم، ظرفیت داریم، عقب هستیم اما خودمان را به جلو می‌رسانیم؛ کمالینکه خیلی عقب‌تر بودیم، خودمان را به اینجا رساندیم که امروز هستیم. حرف من این است^۳.</p> <p>بنده در یکی از همین ملاقات‌ها به دانشجویها گفتم شما برای پنجاه سال آینده برنامه ریزی کنید؛ توقع ما این است. منظوم در زمینه علم است. هدف را این قرار بدیم که پنجاه سال بعد، کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا باشد؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود، مجبور بشود زبان ملی شما را یاد بگیرد؛ همچنانی که این دختر عزیزمان گفتند که ما مجبوریم زبان بین‌المللی را یاد بگیریم؛ راست هم می‌گوید. انگلیسیها با زرنگی زبان خودشان را زبان علم و زبان بین‌المللی کرده‌اند و هر چه شما می‌خواهید یاد بگیرید و هر چه می‌خواهید بخوانید، مجبورید زبان آنها را یاد بگیرید. شما کاری کنید که در پنجاه سال آینده، همین نیاز به زبان فارسی شما باشد. این، یک آرزوست؛ یک قله است؛ مثل قله دماوند، مثل قله توچال، که نگاه کردن به آن، هیجان‌انگیز است؛ شوق رسیدن به آن، در دل همه به وجود می‌آید؛ اما چه کسانی می‌رسند؟ باید کفش و کلاهش را آماده کنید؛ بیشتر از آن، باید همتش را آماده کنید و راه بیفتید^۴.</p> <p>- یک نکته دیگری هم که من یادداشت کرده‌ام و خوب است که تکرار کنم، این است: از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه‌روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفت‌های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانش‌ها می‌توانند با این زبان بیان شوند. ما زبان پرظرفیتی داریم. کمالینکه بعضی از کشورهای اروپائی</p>

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان 1384/۰۲/14

۲. بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان 1384/۰۱/30

۳. بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها 1395/۰۳/29

۴. بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان 1385/۰۸/18

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها - مثل فرانسه، مثل آلمان - اینها زبان خودشان را به عنوان زبان علمی در دانشگاه‌هایشان حفظ کردند. مسئله زبان، مسئله بسیار مهمی است؛ واقعاً احتیاج دارد به اینکه حمیت به‌خرج دهید. یکی از اهتمام‌هایی که دولت‌های آگاه و هوشیار در دنیا انجام می‌دهند، تکیه بر روی گسترش زبان ملی‌شان در دنیاست. متأسفانه با غفلت خیلی از کشورها، این کار اتفاق نیفتاده؛ حتی زبان‌های بومی را، زبان‌های اصلی بسیاری از ملت‌ها را به کلی از بین برده یا تحت‌الشعاع قرار داده‌اند.</p> <p>- من در یکی از جلسات دانشجویها گفتم شما فکر این را بکنید که پنجاه سال دیگر کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن‌قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین‌طور که امروز زبان انگلیسی عمدتاً به برکت پیشرفت فناوری آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمیتان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگذاریم، قطعی است.»</p>
6	انقلاب اسلامی ایران و زبان فارسی:	<p>1- انقلاب اسلامی ایران، مروج زبان فارسی</p> <p>2- زبان دوم دانشگاهی شدن فارسی در نقاطی از دنیا به برکت انقلاب</p> <p>3- زبان فارسی، حامل و رسانه پیام انقلاب</p>	<p>- «البته بعد از انقلاب، تا حدودی تکان خورد. امروز در مناطق جزیره‌العرب - اینها که عرض می‌کنم، اطلاع است، حدس و تخیل نیست؛ خبر دارم - عربی که مثلاً اهل منطقه احسا و قطیف است، که هیچ وقت ممکن نبود یک کلمه فارسی هم یاد بگیرد، با نشستن پای رادیو و تلویزیون فارسی ایران - که تلویزیون را با بشقاب می‌گیرد - زبان فارسی می‌آموزد؛ یعنی میتواند فارسی حرف بزند. آن‌قدر پای رادیو و تلویزیون فارسی می‌نشینند، تا بتوانند به تدریج فارسی یاد بگیرند! یعنی انقلاب، زبان را منتشر کرد. امروز به برکت انقلاب در نقاطی از دنیا، زبان فارسی به عنوان زبان دوم دانشگاهی یا به عنوان زبان رشته اختصاصی، باز مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب پیام و سخنی دارد؛ کسی که مسلمان است، پیام اسلام را از انقلاب می‌گیرد، کسی هم که مسلمان نیست و بالاخره پیام نو را از انقلاب می‌گیرد، دلش می‌خواهد - مثلاً - بداند که امام و پدر این انقلاب، وقتی حرف می‌زد، چه می‌گفت که در ترجمه نمی‌شود فهمید؛ لذا زبان فارسی یاد می‌گیرند. امروز این‌طور است.»</p> <p>- من خیال می‌کنم الان کسانی که در مجموعه نظام هستند، قدر زبان فارسی را بیشتر می‌دانند؛ علتش هم این است که امروز ایران معتقد است برای دنیا پیامی دارد؛ و آن اسلام انقلابی ماست. امروز اعتقادمان این است که برای دنیا پیامی داریم. این پیام، یک حامل و رسانه درستی می‌خواهد؛ و آن جز زبان، چیز دیگری نیست. چون به این پیام فکر می‌کنیم، این زبان بایستی بتواند واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص ما را منعکس کند؛ اصطلاحاتی که مقصود انقلاب را برآورده می‌کند و تفکرات نظام را منعکس می‌نماید. پس، امروز ما به یک زبان قوی و جافتاده و پُرظرفیت احتیاج داریم؛ و آن زبان فارسی است، که بحمدالله در دسترس ما هم هست.»</p>

1. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور 1384/07/03

2. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1377/02/23

3. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 1370/09/18